



Iranian Scientific Association  
of Public Administration



University of  
Sistan and Baluchestan

## Pathological Pattern of Public Policy-Making in the Knowledge-Based Field

Habib Ebrahimpour<sup>1</sup> | Seyed Hamed Hashemi<sup>2</sup> | Mona Panahi<sup>3</sup>

<sup>1</sup>. Professor, Department of Public Administration and Tourism, faculty of social science, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. E-mail: h\_ebrahimpour@uma.ac.ir.

<sup>2</sup>. Assistant Professor, Public Management, Payam Noor University, Tehran, Iran.  
E-mail: hamed.hashemi@pnu.ac.ir.

<sup>3</sup>. Master of Public Administration, Payam Noor University, Rasht, Iran.  
E-mail: mona.panahi70@gmail.com.

### Abstract

**Objective:** The aim of this research was to present a model for diagnosing government policy-making in the knowledge-based sector.

**Methodology:** This research is qualitative and was carried out using thematic analysis, with an applied nature. The statistical population included academic elites and managers of knowledge-based organizations in the Islamic Republic of Iran. The sample consisted of 20 individuals, including 10 academic experts and 10 managers from knowledge-based organizations, selected through a snowballing approach. In-depth interviews were conducted until theoretical saturation was reached.

**Findings:** To gather information, a field method and interview tools were utilized. The collected data were analyzed using thematic analysis. The findings revealed that 118 themes were identified, categorized into 10 factors as part of the diagnosis of government policy-making in the knowledge-based sector, which

**Article type:** Research

**Cite this article:** H. Ebrahimpour, S. H. Hashemi and M. Panahi (2024). Pathological Pattern of Public Policy-Making in the Knowledge-Based Field. *Governance and Development Journal*, 4 (4), 105-141. DOI: 10.22111/jipaa.2025.478195.1216.

**Received:** 15.09.2024

**Revised:** 06.02.2025

**Accepted:** 06.03.2025

**Published:** 21.12.2024



© The Author(s)

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

were illustrated in the Max-QDA software environment. The identified factors included: (lack of coordination between institutions, weaknesses in legal infrastructure, insufficient financial resources, training and development of human resources, flaws in evaluation and oversight, absence of an innovation culture, rapid technological changes, weak connections with industry, failure to meet market needs, international challenges).

**Conclusion:** It can be concluded that since these factors significantly influence government strategies and policies in the knowledge-based sector, thus, governments should equip themselves to tackle these challenges by leveraging the potential and latent capabilities of human resources in leading companies within the knowledge-based framework.

**Keywords:** Pathology, public policy-making, knowledge based, government strategies and policies.





## الگوی آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان

حبیب ابراهیم پور<sup>۱</sup> | سیدحامد هاشمی<sup>۲</sup> | مونا پناهی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استاد گروه مدیریت دولتی و گردشگری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

رایانامه: h\_ebrahimpour@uma.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار، مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: hamed.hashemi@pnu.ac.ir

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، رشت، ایران. رایانامه: mona.panahi70@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی	<b>هدف:</b> هدف از پژوهش حاضر ارائه الگوی آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان بود.
<b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۳/۰۶/۲۴	<b>روش شناسی:</b> روش پژوهش حاضر پژوهش حاضر از نوع کیفی می باشد که با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شده است و دارای ماهیت کاربردی می باشد.
<b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۳/۱۱/۱۷	جامعه آماری پژوهش حاضر را نخبگان دانشگاهی و مدیران سازمان های دانش بنیان در جمهوری اسلامی ایران تشکیل دادند. حجم نمونه مشتمل بر ۲۰ نفر شامل ۱۰ خبره دانشگاهی و ۱۰ مدیر سازمان های دانش بنیان بودند، که با رویکرد گلوله برفی انتخاب شدند. مصاحبه های عمیقی تا نیل به نقطه اشباع نظری صورت گرفت.
<b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۳/۱۲/۱۶	<b>یافته ها:</b> جهت گردآوری اطلاعات از روش میدانی و ابزار مصاحبه استفاده گردید. داده های بدست آمده به روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها نشان داد که ۱۱۸ مضمون در قالب ۱۰ عامل به عنوان آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان شناسایی شدند که این موارد در محیط نرم افزاری مکس-کیودا نشان داده شد. عوامل شناسایی شده عبارت بودند از: (عدم هماهنگی بین نهادهای ضعف در زیرساخت های قانونی، منابع مالی ناکافی، آموزش و توسعه نیروی انسانی، نقص در ارزیابی و نظارت، فقدان فرهنگ نوآوری، تحولات سریع فناوری، ارتباطات ضعیف با صنعت، عدم تأمین نیازهای بازار، چالش های بین المللی).
<b>تاریخ انتشار:</b> ۱۴۰۳/۱۰/۰۱	<b>نتیجه گیری:</b> بر این اساس می توان نتیجه گرفت از آنجایی که این عوامل به طور
<b>کلیدواژه ها:</b> آسیب شناسی، خط مشی گذاری دولتی، دانش بنیان، استراتژی و سیاست های دولتی.	

استاد: ابراهیم پور، حبیب: هاشمی، سیدحامد: پناهی، مونا (۱۴۰۳) " الگوی آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان "

DOI: 10.22111/jipaa.2025.478195.1216

فصلنامه حکمرانی و توسعه (۴)، ۱۴۱-۱۰۵.



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

عمده‌ای بر استراتژی‌ها و سیاست‌های دولتی در حوزه دانش‌بنیان تأثیر گذارند، بنابراین، دولت‌ها باید با استفاده از توانایی‌های بالقوه و نهفته نیروهای انسانی شرکت‌های پیشرو در بحث دانش بنیان برای رویارویی با این چالش‌ها خود را مجهز کنند.

## مقدمه

در دنیای پر تحول امروزه زیربنای اقتصادهای صنعتی، از محوریت منابع به سمت محوریت سرمایه‌های فکری جابه‌جا شده و به همین دلیل عامل دانش به صورت روز افزون بر اهمیت تر می‌شود. در چنین شرایطی شکل جدیدی از شرکت‌ها مورد نیاز است؛ شرکت‌هایی که به عنوان سامانه‌های مبتنی بر دانش شناخته شده و به اصطلاح شرکت‌های دانش بنیان<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند و عاملی حیاتی برای توسعه اقتصادی در یک کشور هستند. در واقع این شرکت‌ها موتور رشد و توسعه محسوب می‌شوند (مروتی شریف آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱). پس شکوفایی و رونق شرکت‌های دانش بنیان، باعث نیل کشورها به سمت اقتصاد پایدار، دانش محور و پیشرو خواهد شد (فخاری، ۱۳۹۳: ۷۳). همچنین با توجه به توسعه و تنوع محصولات شرکت‌ها و نیز رقابت شدید میان آن‌ها، شرکت‌ها در معرض تحول و دگرگونی بوده، موفقیت نهایی و بقای شرکتی در گرو استفاده از الگوهای مناسب قرار داشته است تا مزیت رقابتی برای شرکت ایجاد کند. شرکت‌های دانش بنیان باید به اندازه کافی انعطاف پذیر باشند تا هم تهدیدات غیرقابل پیش بینی و هم فرصت‌های موجود در آینده نامطمئن و محیط بی ثبات را مدیریت کنند (بیرکینشاو و گوپتا، ۲۰۱۳: ۲۸۰).

همچنین جهانی شدن اقتصاد، رقابت در حال رشد، لزوم بهره‌وری عملیاتی، ترویج فرصت‌ها و چالش‌های جدید در مدیریت و کل شرکت‌ها موجب شده است، شرکت‌ها به طور فزاینده‌ای در شبکه‌های گسترده‌ای از تامین‌کننده به تولید و ارائه محصولات و خدمات به مشتریان تکیه کنند و حرکت به سوی تامین نیاز جامعه و مشتریان به عنوان یک مزیت رقابتی برای شرکت‌ها و واحدهای کسب و کار محسوب می‌شود (فتحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۵)، که توسعه و پیاده‌سازی آن می‌تواند موجب به حداکثر رساندن سود، توسعه ارتباط بین بازار، شبکه توزیع، به دست آوردن مزیت رقابتی در بازار و پاسخگویی سریع به نیازهای مشتری با هزینه کم باشد، همچنین کشور ما نیز جهت دست‌یابی به یک رشد و توسعه پایدار و فراگیر و رقابت در عرصه جهانی نیازمند یک تحول اقتصادی از سطح اقتصاد منبع محور به سمت اقتصاد دانش محور است (فخاری، ۱۳۹۳: ۷۲). در این میان شرکت‌های دانش بنیان موتور توسعه و ایجاد چنین تحولی محسوب می‌شوند. از این رو در کشور ما اخیراً شرکت‌های دانش بنیان کانون توجه مسئولین کشور قرار گرفته‌اند. بسته‌های مختلف حمایتی، تسهیلات مالی، معافیت‌های مختلف، ابلاغ سیاست‌ها و تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های تسهیل‌کننده همگی نتایج چنین رویکردی در بین سیاست‌گذاران و دولت مردان کشور است اما نکته بسیار مهم در این میان، عدم شناسایی شاخص‌های مناسب برای عملکرد بهتر شرکت‌های دانش بنیان است (نقی زاده، ۱۳۹۶). در این راستا متأسفانه خلا پژوهشی در ارتباط با شرکت‌های دانش بنیان، می‌تواند باعث بروز مشکلات متعددی شود

<sup>1</sup> Knowledge enterprise

<sup>2</sup> Birkinshaw & Gupta

در واقع اگر بپذیریم موتور توسعه و رشد اقتصادی کشورها در عصر حاضر، شرکت های دانش بنیان هستند، باید متغیرهای تاثیر گذار بر این شرکت ها را مورد بررسی قرار دهیم تا بر اساس آن بتوانیم اولاً شرکت های دانش بنیانی که توسعه اقتصادی کشور را رقم می زنند به درستی شناسایی و حمایت کنیم، ثانیاً بتوانیم جریان فن آفرینی را در کشور به سمت و سوی صحیح و موثری هدایت نماییم، ثالثاً از هدر رفت منابع مادی و حمایتی و نیز سرمایه های فکری در مسیرهای غیر موثر جلوگیری کنیم و نهایتاً به کمک شناسایی درست متغیرهای لازم، بتوانیم سیاست گذاری ها و استراتژی های مناسب تری را در نظام ملی نوآوری کشور شکل دهیم (دهقانی و پاشایی، ۱۳۹۶: ۱۳).

مسائل مربوط به دانش بنیان با راه حل های دیروز قابل حل نیستند و پیش بینی آینده، مشکلات آتی را حل نمی کنند. باید برای پیشرفت آینده اقداماتی انجام داد. در شرایط محیطی و قواعد بازی رقابت، که تا حدی مبهم و پیچیده، پویا و نامطمئن گردیده اند دیگر شرکت های دانش بنیان نمی توانند با تغییرات اندک به نتایج دلخواه مورد نظر برسند، بنابراین برای رسیدن به موفقیت داشتن یک الگوی خط مشی گذاری ضروری به نظر می رسد (الیاسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۷).

خطمشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان در ایران به دلایل متعدد هنوز به سطح لازم اهمیت و تأثیرگذاری نرسیده است. تعدادی از مسئولان ممکن است آگاهی کافی نسبت به ضرورت ها و مزایای اقتصاد دانش بنیان نداشته باشند و این موضوع باعث می شود که این حوزه در اولویت های سیاست گذاری قرار نگیرد. تعداد زیاد نهادهای دولتی و خصوصی که در حوزه دانش بنیان فعالیت می کنند، بدون یک هماهنگی منسجم، می تواند باعث پراکندگی و عدم اغنای سیاست ها شود. این مسأله می تواند منجر به تداخل در وظایف و ضعف در اجرای برنامه ها گردد. کاهش سرمایه گذاری های دولتی و نااطمینانی اقتصادی باعث می شود تا حمایت های لازم از استارت آپ ها و شرکت های دانش بنیان به درستی انجام نشود. در نتیجه، عدم تخصیص منابع کافی می تواند از رشد این بخش جلوگیری کند. زیرساخت های فنی و پژوهشی نظیر آزمایشگاه ها، پارک های علم و فناوری و مراکز نوآوری به طور کافی در ایران توسعه نیافته و این امر مانع از بروز نوآوری و پیشرفت در حوزه دانش بنیان می شود. در برخی موارد، جامعه ممکن است به کارآفرینی و نوآوری به عنوان انتخاب های شغلی با ارزش کمتری نگاه کند. این موضوع می تواند تأثیر منفی بر جذب سرمایه انسانی و انگیزه های لازم برای شروع کسب و کارهای دانش بنیان بگذارد. وجود قوانین حمایتی به تنهایی کافی نیست. عدم اجرای مؤثر این قوانین و وجود بوروکراسی های پیچیده می تواند به مانع جدی در توسعه فعالیت های دانش بنیان تبدیل شود. تغییرات سیاسی و ناپایداری های اجتماعی می توانند باعث ایجاد نااطمینانی و تردید در سرمایه گذاران و کارآفرینان شوند و از این رو تمایل آن ها به ورود به حوزه دانش بنیان را کاهش دهند. به طور کلی، برای افزایش اهمیت خطمشی گذاری در حوزه دانش بنیان در ایران، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ میان تمام نهادها و بخش های مختلف جامعه است که بتواند موانع موجود را شناسایی و برطرف کند. با توجه به آنچه ذکر گردید، باید به پژوهش هایی در راستای آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان مورد بررسی قرار گیرد، تا خلاء پژوهشی در این راستا جبران شده و بتواند در رشد و توسعه این شرکت ها موثر باشد.

## ادبیات نظری و پیشینه موضوع

### پیشینه نظری پژوهش

خط مشی گذاری عمومی مجموعه ای از اقدامات نسبتاً پایدار، ثابت و هدفمند دولت به منظور حل مشکلات یا دغدغه های عمومی جامعه است. نظریه پردازان تعاریف جامعی از خط مشی عمومی ارائه داده اند؛ در این تعاریف خط مشی را مجموعه اقدام های هدفمند و نسبتاً ثابتی می دانند که توسط بازیگر یا مجموعه ای از بازیگران در مواجهه با یک مسئله یا موضوع نگران کننده دنبال می شود. این تعریف به جای توجه بر آنچه تنها پیشنهاد شده و قصد انجام آن وجود داشته، بر آنچه واقعاً انجام شده، تمرکز می کند، بنابراین خط مشی را از تصمیمی که اساساً انتخابی مشخص از میان بدیل هاست، متمایز می کند و آن را چیزی می نگرد که در طول زمان آشکار می شود (قیصری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳). بدیهی است اقدامات خطمشی گذاری چنانچه در مواقع ضروری و بحرانی و یا برای عکس العمل در برابر وقایع غیرمترقبه طبیعی نباشد بصورت فوری انجام نمی گیرد بلکه در طی مراحل به عنوان یک فرایند شامل عملیاتی است که به طور پیچیده فاکتورها و متغیرهای مختلفی را چه در داخل سازمان و یا محیط بیرونی آن در بر می گیرد. حاصل تعامل تمامی متغیرهای سازمانی و غیرسازمانی در طی مراحل گوناگون، خطمشی عمومی را برای تدوین، تأیید و پیاده سازی آماده می سازد به طور کلی فرایند خطمشی گذاری شامل مراحل زیر است: شناسایی مسئله، دستورگذاری، تنظیم خط مشی، مشروعیت بخشی به خط مشی، اجرای خط مشی و ارزیابی خط مشی (شریف زاده و معدنی، ۱۳۹۴: ۹). تدوین خط مشی عمومی، ایجاد و توسعه مجموعه ای از اقدامات مؤثر و توافق شده به منظور بررسی آنچه در دستور کار خط مشی قرار گرفته و اتخاذ تصمیم راجع به آن است؛ بنابراین، بازیگران تدوین خط مشی عمومی شامل عناصر و مواردی هست که در بررسی و تحلیل و قانونی ساختن (اقتدار بخشی) خط مشی عمومی نقش دارند (قیصری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۵). پیاده سازی موفق خط مشی های عمومی به عوامل سازمانی، ساختاری، تکنولوژیکی و انسانی بستگی دارد (هی و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۲).

سطوح پیاده سازی خطمشی، نیز بر کیفیت آن تأثیرگذار است. اگر سازمان های اجراکننده خطمشی، هم سطح باشند، مسیر افقی در اجرای خطمشی به کار گرفته می شود. اجرای افقی، تعداد بازیگران را کاهش خواهد داد و به همین جهت هماهنگی راحتتر و ساده تر خواهد بود. به عبارت دیگر، اجرای افقی ممکن است تعداد بازیگران را به همان اندازه که مطابقت و هماهنگی را افزایش می دهد، تعداد بازیگران اجرا را محدود نماید (می یر و همکاران، ۲۰۰۸: ۴). این بازیگران می توانند به انواع مختلف فعالیت های لابی کردن، به منظور ترغیب، تشویق و گاه حتی اجبار، صاحبان دوایر ذیصلاح را به پذیرش انتخاب های مرجع یا پرهیز از موارد ناخواسته وادار سازند. بازیگران تدوین خط مشی افرادی اند که دارای توانایی تصمیم گیری نشان سیاسی یا نفوذ بر فرآیندهای خط مشی گذاری هستند. آنها ممکن است شامل مقامات دولتی، گروه های ذینفع، بوروکراسی و رسانه های جمعی باشند که به تنهایی یا به صورت گروهی، مسائل و مشکلات را در دستور کار عمومی قرار

<sup>1</sup> He

<sup>2</sup> Meier

دهند. در سالهای اخیر همچنین هانیکوم، اذعان به نقش رسانه ها، جامعه مدنی، از جمله کلیساها و مراکز مذهبی در خط مشی گذاری داشته است (قیصری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲).

اقتصاد دانش محور بر پایه انقلاب دانش شکل گرفته است. انقلاب دانش متأثر از چندین عامل است که عبارتند از: افزایش دانش کدبندی شده، افزایش آنالیز اطلاعات، ذخیره سازی و انتقال، توسعه و گسترش فناوری های نو، افزایش اهمیت دانش و مهارت نیروی کار، افزایش اهمیت ابداعات و کارآیی در رقابت، افزایش سرمایه گذاری غیرملموس، جهانی شدن و رقابت شدید و گسترش تجارت جهانی (شریف زاده و معدنی، ۱۳۹۴: ۱۲).

در مدل گلد اسمیت<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) مراحل ایجاد شرکت های دانش بنیان و زایشی، ایده اولیه (گام مفهومی) تا توسعه (گام توسعه) و راه اندازی شرکت های دانش بنیان (گام تجاری) را پوشش می دهد. در این مدل برای توصیف جریان های همزمان فعالیت های فنی، بازار و کسب و کار از چک لیست استفاده می شود. هر جریان منطبق بر شش مرحله متوالی تحقیق و بررسی، امکان سنجی، توسعه، معرفی، رشد و بلوغ است. سازمان دانش بنیان، سازمانی است که در فرایند تولید و ارائه محصول / خدمت از خلاقیت، نوآوری و دانش جدید استفاده خواهد کرد. مزیت رقابتی یک سازمان دانش بنیان از طریق دانش و استفاده اثربخش از دانش حاصل می گردد (خیاطیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۹). ایده های نو (ایده محوری)، قابلیت تجاری بودن ایده و رقابت پذیر بودن از ویژگی های مهم کسب و کارهای دانش بنیان می باشد (نعمتی ۱۳۹۵: ۴). عوامل مختلفی بر رشد و توسعه شرکت های دانش بنیان تاثیر می گذارند. این عوامل با توجه با ماهیت شرکت های دانش بنیان متفاوت از سایر شرکت ها می باشند. حمایت مؤثر دولت، دانش فنی، نیروی انسانی متخصص، در ابتدای تشکیل این قبیل شرکت ها از اهم عوامل مؤثر بر توسعه آنها به شمار می آیند، برخی عوامل مؤثر در توسعه شرکت های دانش بنیان عبارتند از:

- سیاست های دولتی شامل: جو حمایتی تجارت، نظام حقوقی، نظام مالیاتی و خط مشی های تنظیمی مناسب.
- زیرساخت ها شامل: ارتباطات از راه دور، فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، شبکه های علمی.
- منابع مالی شامل: بودجه های دولتی، سرمایه گذاران ریسک پذیر، سرمایه گذاری خارجی.
- نیروی کار ماهر، تحصیل کرده، خلاق و نوآور.
- دانش، مهارت و یادگیری مستمر.

در ادامه بحث به نوآوری در خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان می پردازیم و به چندین جنبه مختلف مربوط به این حوزه اشاره خواهیم کرد. در زیر به برخی از این جنبه ها اشاره می شود:

۱- توسعه زیرساخت های فناوری: ایجاد و تقویت زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور تسهیل دسترسی به اطلاعات و منابع علمی و پژوهشی که یکی از مهم ترین عوامل تاثیر گذار در این حوزه می باشد.

<sup>1</sup> Goldsmith

- ۲- حمایت از تحقیق و توسعه: ارائه مشوق‌ها و حمایت‌های مالی به شرکت‌ها و نهادهای پژوهشی برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای.
  - ۳- تقویت همکاری‌های بین‌المللی: ایجاد شبکه‌های همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی بین‌المللی به منظور انتقال دانش و فناوری‌های جدید و بروز شده.
  - ۴- تسهیل فرآیندهای قانونی: ساده‌سازی قوانین و مقررات مربوط به ثبت اختراعات، تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نتایج تحقیقات.
  - ۵- آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی: برنامه‌های آموزشی رسمی و غیر رسمی برای ارتقاء مهارت‌های نیروی کار در حوزه‌های مرتبط با فناوری و نوآوری می‌تواند در موفقیت‌های آنی در این حوزه تعیین کننده باشد.
  - ۶- ایجاد اکوسیستم نوآوری: حمایت از ایجاد مراکز نوآوری، شتاب‌دهنده‌ها و پارک‌های علم و فناوری که به شرکت‌های دانش‌بنیان کمک کنند.
  - ۷- توجه به نیازهای بازار: طراحی سیاست‌ها بر اساس نیازهای واقعی بازار و صنعت، به‌منظور تضمین اینکه تحقیقات و نوآوری‌ها به نیازهای جامعه پاسخ دهند.
  - ۸- حمایت از کارآفرینی: تشویق جوانان و محققان به راه‌اندازی کسب و کارهای دانش‌بنیان از طریق ارائه تسهیلات مالی و مشاوره‌ای.
  - ۹- پیگیری سیاست‌های پایدار: توجه به ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی در سیاست‌گذاری‌ها به منظور توسعه پایدار.
  - ۱۰- تحلیل داده‌ها و ارزیابی مستمر: استفاده از داده‌های کلان برای تحلیل روندها و ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌ها.
- توجه به این نوآوری‌ها می‌تواند به دولت کمک کنند تا محیطی مناسب برای رشد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان فراهم کند و به تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی کشور کمک نمایند.

## پیشینه تجربی پژوهش

### پیشینه خارجی

لایهونن<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی پیشبرد دانش بنیان به سمت درک شکل‌گیری دانش در مدیریت دولتی پرداختند و یافته‌های آنان نشان داد شکل‌گیری دانش بنیان یک فرآیند اجتماعی است که در آن اطلاعات جمع‌آوری، تفسیر و به اشتراک گذاشته می‌شود. با ادغام بینش‌های علوم اداری، مطالعات سازمانی و علوم سیاسی، بحث‌های جاری در مورد دانش بنیان گسترش داده می‌شود.

<sup>1</sup> Laihonon



تئوچاریس و سیهرینتزیس<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) با بررسی نمایندگی و مدیریت دانش به نفع دانش بنیان به این امر دست یافتند که به طور خاص، مفاهیم دانش و مدیریت دانش در قالب وب معنایی با تأکید بر نکات مهم و رهنمودهای کاربرد آنها در بخش عمومی و در حوزه دانش بنیان مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابزارها و کاربردهای فناوری‌های وب معنایی برای مدل‌سازی و مدیریت دانش همراه با نمونه‌هایی از کاربرد آنها در حوزه تخصصی‌تر دانش بنیان می‌تواند ارائه شود. همچنین، فناوری‌ها و روش‌ها و الگوریتم‌هایی برای بازیابی دانش از طریق هستی‌شناسی‌های پرس‌وجو با استفاده از ابزارهای وب معنایی پیشنهاد شده‌اند.

واگنر<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند بیشتر مراجع در در الگوسازی در راستای دانش‌بین همسو با عوامل سیاست‌گذاری رابط‌های علم-سیاست با توجه به مشارکت ذینفعان، پیشینه متنوع کارشناسان، بین رشته‌ای و ارتباطات پیچیدگی یافت شد.

هندرسون<sup>۳</sup> (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان زمینه کارآفرینی خط مشی: درک پیدایش راه‌حل‌های جدید خط-مشی برای نوآوری خدمات در فنلاند و ایرلند پرداخته‌اند. یافته‌ها پژوهش شامل: اجرای تحقیقات سیاسی، استفاده از مشاوران متخصص خارجی و شبکه‌سازی در عرصه داخلی/ بین‌المللی و تداوم تلاش‌ها، بود.

رابرتسون<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی "مطالعه ۴۳ پارک علم و فناوری" پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌ها پژوهش، هسته رهبری قوی، محیط توسعه‌ای، تنوع در مبنای تأمین مالی، مرکز علمی قوی و فرهنگ کارآفرینانه یکپارچه. سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان می‌تواند پاسخگویی و عملکرد بخش عمومی را بهبود بخشد.

پادیللا-پرز و گادین<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان سیاست‌های علم، فناوری و نوآوری در اقتصادهای کوچک و در حال توسعه: مطالعه موردی آمریکای مرکزی انجام دادند. ابزارهای سیاستی شناخته شده در این پژوهش عبارتند از: چارچوب نهادی (برنامه ملی علم، فناوری و نوآوری، ارزیابی سیاست‌های علم، فناوری و نوآوری، فناوری، حقوق مالکیت معنوی، مکانیسم‌های اداری، سیستم آموزش دولتی: استراتژی ملی، استانداردها، سیاست‌های کیفی، سیاست‌های تدارکات دولتی)؛ مالی (انگیزه مالی، تأمین مالی نوآوری، برنامه‌هایی برای ارتقای تعامل بین بازیگران سیستم نوآوری، سازمان‌های رابط بین خصوصی-عمومی، انتشار اهمیت و کاربرد علم، فناوری و نوآوری، دستگاه‌های دولتی).

هوو و زینیا<sup>۶</sup> (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان چالش‌های تدوین سیاست علم و فناوری زیمبابوه از ۱۹۸۰-۲۰۰۲. انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که یکی از مشکلات اصلی نهادی تأخیر در تدوین و نهایی کردن سیاست علم و فناوری در روند سیاست‌گذاری می‌باشد. انسجام و ادغام سازمانی در این زمینه وجود ندارد. ناهماهنگی نهادی در میان وزیر آموزش عالی و فناوری، مؤسسه مطالعات توسعه و شورای تحقیقات زیمبابوه

<sup>1</sup> Theocharis & Tsihrintzis

<sup>2</sup> Wagner

<sup>3</sup> Henderson

<sup>4</sup> Robertson

<sup>5</sup> Padilla-Pérez & Gaudin

<sup>6</sup> Hove & Zinyama

نشان داد که توسعه سیاست علم و فناوری و فرموله کردن اجتناب ناپذیر است. و نتایج نشان می دهد برای اجرای مؤثر سیاست های علم و فناوری باید تقویت توانمندی های نهادی و تخصیص بودجه به حوزه علم و فناوری صورت گیرد.

### پیشینه داخلی

نوروززاده (۱۴۰۲) با بررسی نقشه راه خطمشی گذاری دولتی برای تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین بر اساس منویات مقام معظم رهبری (مَدَّ ظِلُّهُ الْعَالِي)؛ رهیافتی آمیخته نشان دادند شاخص «شناسایی مسائل و مشکلات بالقوه و بالفعل مربوط به شرکت های دانش بنیان» به عنوان مهمترین و اثرگذارترین شاخص در نقشه راه طراحی شده شناسایی شد. از بین شاخص های مربوط به عوامل علی، شاخص «افزایش بهره وری منابع انسانی و تولید» به عنوان مهمترین و تأثیرگذارترین شاخص شناسایی گردید. مهمترین شاخص مؤلفه های مقوله محوری، شاخص «روبارویی با چالش های غیرمنتظره و داشتن برنامه» بود. مهمترین شاخص مقوله های زمینه ای نیز شاخص «وجود نیروی انسانی خیره، بستر دیجیتال و مشتری دیجیتال» شناسایی شد. مهمترین شاخص مقوله راهبردها نیز شاخص «شناسایی مسائل عمومی تولید دانش بنیان توسط نهادهای متولی» شناسایی گردید. در نهایت با توجه به نتایج پژوهش مهمترین شاخص مقوله پیامدها نیز شاخص «ارتقای رضایت عمومی از تولید دانش بنیان» بود.

سبزی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی مدل سیستمی توسعه منابع انسانی در شرکت های دانش بنیان با رویکرد کیفی پرداختند و نشان دادند درون دادهای سیستم توسعه منابع انسانی شامل مولفه های ویژگی های کارکنان، ویژگی های شغلی، ویژگی های گروه و ویژگی های سازمانی؛ فرایندهای سیستم توسعه منابع انسانی شامل مولفه های برنامه ریزی و اجرای توسعه، استراتژی مدیریت منابع انسانی، برنامه ریزی استراتژیک و آموزش و ارزیابی استراتژیک؛ برون دادهای سیستم توسعه منابع انسانی شامل مولفه های چابکی نیروی انسانی، توانمندسازی نیروی انسانی و خودنوسازی نیروی انسانی است.

موسوی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تأثیر حاکمیت فرهنگ مشارکتی بر ارتقای بهره وری کارگزاران دانشی با تأکید بر نقش میانجی قابلیت های نوآوری و جو نوآورانه در سازمان های دانش بنیان پرداخته اند. یافته ها نشان داد که فرهنگ مشارکتی بر بهره وری کارگزاران دانشی، قابلیت های نوآوری و جو نوآورانه در سازمان های دانش بنیان اثر معنی دار و مثبت دارد. ابراهیمیان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان طراحی مدل اجرای خطمشی دانشگاه کارآفرین مبتنی بر سیاست های علم و فناوری پرداخته اند. یافته ها نشان داد که مدل اجرای خطمشی دانشگاه کارآفرین مبتنی بر سیاست های علم و فناوری شامل سه بعد حمایت ها، الزامات، تعاملات با ۲۰ مولفه و ۹۶ شاخص می باشد.

انگزی قدس و همکاران (۱۴۰۱) با بررسی طراحی الگوی خطمشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان های دانش بنیان به این امر دست یافتند که یافته های پژوهش نشان دادند، اگرچه حمایت سازمانی، فرهنگ مشارکتی در ابتدای راه و در کانون فرایند الگوی خطمشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان است، یعنی برنامه های مطلوب که با مشارکت و همفکری مدیران همسو با تحولات نوین جهانی در جهت بالنده نمودن مدیران طراحی و اجرا شود و هدف نهایی اجرای آن تربیت

کارشناسان توانمند و خلاق باشد. به احتمال زیاد، تجربه مدیران از شرکت در برنامه‌هایی که در راستای رفع نیازهای آنان طراحی نگردیده و به درستی اجرا نشده است، باعث شده است که تدوین برنامه منسجم با مشارکت خودشان مهم‌ترین دغدغه و اولویت آنان در راه رشد و بالندگی باشد. افزایش اقدامات طراحی ارتقاء مشارکت کارکنان اساسی‌ترین راه‌حل دستیابی به رویکردها و رویه‌های آموزشی مؤثر، کارآمد و اثربخش به منظور پاسخگویی به نیازهای سازمان و جامعه، آماده‌سازی کارکنان برای محیط‌ها و موقعیت‌های اجتماعی و شغلی در آینده است.

بنار و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی سیاست گذاری مبتنی بر هوش تجاری در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با دو رویکرد کلان و تفصیلی پرداخته‌اند. بر اساس نتایج پژوهش، اسناد بالادستی و شواهد، تعیین چشم انداز، مأموریت و سیاست ها، تعیین اهداف کلان و استراتژی، طراحی مدل و ارزیابی اهداف کلان و استراتژی، تعریف اهداف کمی و عملیاتی، طراحی مدل و ارزیابی اهداف کمی و عملیاتی و انتخاب و تعیین اهداف کمی و عملیاتی به عنوان اجزای شش گانه الگوی طراحی شده، تعیین و تبیین شدند.

ثنایی پور و جعفری مقدم (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای سیاست‌های توسعه کارآفرینی در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور پرداخته‌اند. بر اساس نتایج پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد اگرچه بازگویی واژگان کارآفرین، کارآفرینی و کسب‌وکار، در محتوای برنامه‌های اول تا ششم توسعه با رشد همراه بوده؛ لیکن سیاست‌های تدوین شده از نظر مولفه‌های مدل توسعه کارآفرینی تناسب چندانی با یکدیگر نداشته و بیشترین توجه، به رفتارها و نتایج کارآفرینانه و سپس به نگرش‌های کارآفرینانه معطوف بوده است.

کریمی طرارانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر عوامل مؤثر بر خط مشی گذاری پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش بنیان بر برون‌دادهای آن‌ها با نقش میانجی کارآفرینی فناورانه پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد عوامل شبکه سازی، سازمانی، بعد عوامل نهادی و برون سازمانی، عوامل مؤثر خط مشی گذاری پارک‌های علم و فناوری هستند.

جوادی و همکاران (۱۳۹۹) به ارائه شناسایی سیاست گذاری جامعه شناختی توسعه کارآفرینی دولتی در ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان داد با مقوله بندی و دسته بندی معیارهای نهایی، تعداد ۹ مقوله اصلی و تعداد ۴۴ مقوله برای شناسایی شاخص‌های سیاست گذاری توسعه کارآفرینی دولتی در ایران حاصل گردید.

رمضانپور و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان ارائه الگوی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در فرایند تدوین خط‌مشی‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. بر اساس نتایج پژوهش، نشان داد که ایجاد شبکه‌های آموزشی و پژوهشی و فن‌آوری بین دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و سازمان‌های اجرایی کشور، تأثیرگذارترین عامل و اصلاح رفتار سیاسی- اجتماعی در سطح ملی، تأثیرپذیرترین عامل در بین عوامل احصا شده است.

ثنایی پور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تبیین مبانی فکری سیاست‌گذاری کارآفرینی پرداخته است. بر اساس نتایج پژوهش، نشان داد که سیاست‌های کارآفرینی از نظر اهداف، ابزار، تمرکز، دوره زمانی، اولویت بندی، نحوه

ارزیابی و نتایج، منحصر به فرد بوده و نسبت به سایر مفاهیم مشابه از جمله سیاست‌های توسعه کسب و کار، متفاوت است.

### تبیین مدل و فرایند انجام پژوهش

این پژوهش دارای رویکرد کیفی است و از روش تحلیل مضمون به عنوان روش پژوهش استفاده شده است. در تحقیق کیفی حاضر، ابتدا محققان با الهام از ادبیات و مبانی نظری مرور شده به انتخاب چند محور جهت شروع مصاحبه و دریافت تجربیات مصاحبه‌شوندگان پرداخته و این محورها در قالب مقولات اصلی و فرعی تنظیم و با مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشته شد. سپس از آن‌ها خواسته شد تجربیات خود را در این زمینه بازگو نمایند. نحوه ساماندهی جلسات مصاحبه به این ترتیب بود که از طریق تلفن یا پست الکترونیک با مصاحبه‌شونده هماهنگی اولیه صورت گرفت. در مرحله بعد متن کامل گفتگوها ضبط و سپس پیاده‌سازی شد. بعد از استخراج جملات کلیدی برحسب فراوانی تکرار آن‌ها و با استفاده از یک نظام مقوله‌بندی و عنوان دهی، با الهام از ادبیات پژوهش، هر مجموعه از جملات کلیدی بر اساس نزدیکی مفهومی و بیان یک مفهوم مشترک تحت عنوان یک مقوله مشخص عنوان‌بندی شد. در این پژوهش برای دسته‌بندی کدها از روش براون و کلارک (۲۰۰۶) روشی که برای کدگذاری در تحلیل مضمون می‌باشد استفاده شده است؛ این روش که با استقبال بسیاری مواجه بوده است بر اساس الگوی پیشنهادی از سه مرحله، گام و اقدام تشکیل شده است. مراحل سه گانه این الگو عبارتند از: تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن و ترکیب و ادغام. کدگذاری در تحلیل مضمون به روش براون و کلارک با روش پیشنهادی اتریید-استرلینگ<sup>۱</sup> انجام شده است. این روش یکی از روش‌های مرسوم کدگذاری در تحلیل مضمون است. لازم به ذکر است که مقوله‌بندی جملات کلیدی در ۱۱۸ مقوله صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر را نخبگان دانشگاهی و مدیران سازمان‌های دانش‌بنیان در جمهوری اسلامی ایران تشکیل دادند. حجم نمونه مشتمل بر ۲۰ نفر شامل ۱۰ خبره دانشگاهی و ۱۰ مدیر سازمان‌های دانش‌بنیان بودند، که با رویکرد گلوله برفی انتخاب شدند. مصاحبه‌های عمیقی تا نیل به نقطه اشباع نظری صورت گرفت. با توجه به آن که تحقیق موردنظر در صدد بود با استفاده از راهبرد پژوهشی تحلیل مضمون به تصویر روشنی از چگونگی طراحی الگو برای آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان در قالب یک مدل بپردازد، از سؤال‌های مطابق جدول (۱) استفاده شده است.

<sup>۱</sup> Attride-Stirling

### جدول ۱- پرسش‌های پروتکل مصاحبه "الگوی آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان"

ردیف	پرسش‌های مصاحبه
۱	به نظر شما، خط‌مشی‌گذاری دولتی در حوزه دانش‌بنیان چه تعریفی دارد و چرا اهمیت آن برای توسعه اقتصاد کشور ضروری است؟
۲	وضعیت فعلی خط‌مشی‌گذاری در حوزه دانش‌بنیان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چه چالش‌هایی در حال حاضر وجود دارد؟
۳	چه نهادها و سازمان‌هایی در حال حاضر مسئولیت خط‌مشی‌گذاری در حوزه دانش‌بنیان را بر عهده دارند و آیا این وظایف به صورت مؤثر انجام می‌شود؟
۴	به نظر شما، وضعیت تأمین مالی و منابع اقتصادی برای حمایت از حوزه دانش‌بنیان چگونه است؟ آیا به اندازه کافی سرمایه‌گذاری شده است؟
۵	آیا ارتباطات بین نهادهای دولتی و بخش خصوصی در حوزه دانش بنیان به اندازه کافی برقرار است؟ در صورت عدم ارتباط، چه تأثیری بر روند خط‌مشی‌گذاری دارد؟
۶	در نظر شما، چه نقشی آموزش و پرورش در ایجاد و گسترش نیروی انسانی متخصص در حوزه دانش‌بنیان ایفا می‌کند؟ آیا برنامه‌های آموزشی فعلی پاسخگوی نیازهای این حوزه هستند؟
۷	آیا بوروکراسی‌های موجود در سیستم دولتی مانع جدی برای شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد می‌کند؟ اگر بله، این موانع چگونه می‌توانند کاهش یابند؟
۸	چگونه می‌توان فرهنگ کارآفرینی و نوآوری را در جامعه تقویت کرد تا تمایل به ورود به حوزه دانش‌بنیان افزایش یابد؟
۹	آیا نمونه‌های موفق و ناموفق در سیاست‌گذاری‌های دانش‌بنیان را می‌توانید ذکر کنید و تحلیل کنید که چه عواملی باعث موفقیت یا شکست آن‌ها بوده است؟
۱۰	به نظر شما، چه تغییرات و پیشنهادهایی برای بهبود خط‌مشی‌گذاری دولتی در حوزه دانش‌بنیان باید در نظر گرفته شود؟
۱۱	به چه صورت می‌توان از تجربیات کشورهای دیگر در زمینه خط‌مشی‌گذاری دانش‌بنیان بهره‌مند شد و این تجارب در ایران چگونه قابل اجرا است؟

پس از دریافت جواب سؤال‌ها، متن مصاحبه‌ها به دقت مکتوب شد و در کنار متن این مصاحبه‌ها، از اسناد و مدارک دست دو برای تبیین بهتر نظریه استفاده گردید. در این پژوهش، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از مکتوب کردن مصاحبه‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده از طریق کدگذاری واکاوی شد و طی سه مرحله مضمون پایه، مضمون فرعی و مضمون اصلی طبقه‌بندی گردید (کوهن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۳۳).

<sup>۱</sup> Cohen

برای بررسی روایی و پایایی، بنا به معیارهای ارائه شده توسط "کرسول و میلر<sup>۱</sup> (۲۰۰۰)" به منظور حصول اطمینان از روایی پژوهش یا به عبارتی دقیق بودن یافته‌ها از منظر پژوهشگر، مشارکت کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش اقدامات زیر انجام شد:

۱- تطبیق توسط اعضا: مشارکت کنندگان گزارش نهایی پژوهش، فرایند تحلیل و مقوله‌های به دست آمده را بازبینی و نظر خود را در ارتباط با آن‌ها ابراز کردند.

۲- بررسی همکار: چند نفر از دانشجویان دکتری مدیریت و اعضای هیئت علمی دانشگاه که در مصاحبه‌ها مورد مشارکت قرار نگرفته بودند، به بررسی یافته‌ها و اظهار نظر درباره آن‌ها پرداختند.

۳- مشارکتی بودن پژوهش: به طور هم‌زمان از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها استفاده شد.

۴- بازخور مشارکت کننده: تفسیرها و نتایج به مشارکت کنندگان ارائه و موارد بد درک شده تعیین و اصلاح شدند.

۵- دریافت نظرات همکاران خبره: تبیین‌ها و نتایج توسط همکاران و خبرگان مورد بازبینی قرار گرفت و نظرات اصلاحی آن‌ها اعمال گردید.

همچنین، استراتژی‌های بهبود پایایی در این پژوهش به صورت زیر بوده است:

۱- هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها: در پژوهش حاضر مطابق با استانداردهای پژوهش‌های کیفی، راهنمای مصاحبه طراحی و مصاحبه‌ها با رعایت اصول علمی و اخلاقی برگزار گردید. به منظور اطمینان از پایایی نتایج مصاحبه‌ها، پس از کدگذاری اولیه، در فاصله زمانی کوتاهی کدگذاری‌ها بازبینی شد و نظرات تکمیلی آنان دریافت شد.

۲- ایجاد فرایندهای ساختمند برای اجرا و تفسیر مصاحبه‌ها: در فرایند مصاحبه‌ها، هر مصاحبه به طور جداگانه ثبت و سپس، پیاده‌سازی شد تا اطمینان حاصل شود که چیزی نادیده گرفته نمی‌شود. مصاحبه‌ها در محیط‌های آرام برگزار و پس از جمع‌آوری، داده‌ها با استفاده از روش‌های کدگذاری با رویکرد تحلیل مضمون تفسیر شدند.

۳- استفاده از کمیته تخصصی: کلیه فرایندهای این پژوهش با نظارت اساتید مدیریت صنعتی و مدیریت فناوری اطلاعات انجام گردید.

در ادامه پاسخ دو مصاحبه شونده به سؤال هفتم پژوهش آورده شده است:

"بله، بوروکراسی‌های موجود در سیستم دولتی می‌توانند مانع جدی برای شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد کنند. این موانع می‌توانند به صورت‌های مختلفی خود را نشان دهند از جمله: بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان با مسائل مربوط به مجوزها، تأسیس و ثبت شرکت مواجه هستند که معمولاً شامل مراحل متعدد و زمان‌بر می‌شود. این تأخیرها می‌توانند بر روی توانایی شرکت‌ها در توسعه و تجاری‌سازی محصولات تأثیر منفی بگذارند. در برخی موارد، نبود شفافیت در قوانین و مقررات می‌تواند باعث سردرگمی کارآفرینان و سرمایه‌گذاران شود و آن‌ها را از ورود به این بازار دلسرد کند.....(مصاحبه شونده شماره ۵)."

<sup>1</sup> Creswell & Miller

”بله ممکن است، از جمله هزینه‌های مربوط به مراحل بوروکراتیک، از جمله پرداخت حق‌الزحمه‌های قانونی و هزینه‌های اداری می‌تواند بار مالی اضافی برای استارت‌آپ‌ها باشد. بوروکراسی ممکن است به گونه‌ای عمل کند که بخش خصوصی نتواند به شکل مؤثری با نوآوری‌ها و تغییرات سریع دنیای فناوری همراه شود... (مصاحبه‌شونده شماره ۷).“

در ادامه در جدول (۲)، خلاصه‌ای از اطلاعات مصاحبه‌شوندگان آورده شده است.

جدول ۲- خلاصه‌ای از اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	تحصیلات	سابقه مدیریت	سن
۱	مرد	دکترا	۲۷	۶۷
۲	مرد	دکترا	۲۰	۶۸
۳	مرد	دکترا	۲۵	۶۸
۴	زن	دکترا	۲۳	۶۰
۵	مرد	دکترا	۱۶	۵۵
۶	زن	دکترا	۱۵	۵۰
۷	مرد	دکترا	۲۱	۵۵
۸	مرد	دکترا	۱۷	۵۴
۹	مرد	دکترا	۱۵	۵۶
۱۰	مرد	کارشناس ارشد	۱۲	۵۰
۱۱	مرد	کارشناس ارشد	۱۰	۵۴
۱۲	مرد	کارشناس ارشد	۱۴	۵۷
۱۳	مرد	کارشناس ارشد	۱۷	۵۵
۱۴	مرد	کارشناس ارشد	۱۶	۵۷
۱۵	زن	کارشناس ارشد	۱۵	۵۶
۱۶	مرد	کارشناس ارشد	۱۵	۵۵
۱۷	مرد	دکترا	۲۳	۵۲
۱۸	مرد	دکترا	۲۱	۵۴
۱۹	مرد	دکترا	۱۸	۵۵
۲۰	مرد	کارشناس ارشد	۱۰	۴۸

### یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به روش تحلیل مضمون به تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب مضمون پایه، مضمون فرعی و مضمون اصلی پرداخته شده است.

**الف- مضمون پایه:**

مضمون پایه اشاره به بخشی از تحلیل دارد که با عنوان گذاری و مقوله‌بندی پدیده، آن طور که داده‌ها نشان داده‌اند سروکار دارد و نیازمند پرسیدن هستند، "مفاهیم" سوالات و انجام مقایسه‌هاست. مضمون پایه شامل تحلیل و کدگذاری داده‌ها، مشخص کردن طبقات و تفسیر آن‌ها بر اساس ویژگی‌های هر طبقه است. همچنین مضمون پایه‌داده‌ها، به بخش‌های مجزا خردشده که برای به دست آوردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. منظور از خرد کردن و مفهوم‌پردازی این است که به هر کدام از حوادث، رخدادها و ایده‌هایی که در داده‌ها موجود است برچسبی بدهیم. این نام برچسب یا نشانه‌ای است که به‌جای حادثه، رخداد یا ایده می‌نشیند. در مرحله بعد، خود مفاهیم بر اساس شباهت‌هایشان طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار مقوله‌پردازی گفته می‌شود. عنوانی که به مقوله‌ها (ابعاد) اختصاص داده می‌شود، انتزاعی‌تر از مفاهیمی (اجزایی) است که مجموعاً آن مقوله را تشکیل می‌دهند. مقولات دارای قدرت مفهومی بالایی هستند؛ زیرا می‌توانند مفاهیم و خرده مقولات را بر محور خود جمع کنند. عنوان یا نامی که برای مقولات انتخاب می‌شوند باید بیشترین ارتباط را با داده‌هایی که مقوله نمایانگر آن است، داشته و آن قدر با آن همخوان باشد که بتوان آنچه بیان می‌کند را به سرعت به یاد آورد و درباره‌اش فکر کرد. مضامین نیز از کنار هم قرار گرفته مقولات مرتبط ایجاد می‌شوند. نمونه‌ای از نتایج فراگرد کدگذاری در این تحقیق، در قالب مقوله‌های استخراج‌شده از مفاهیم در جدول (۳) ذکر شده‌اند. به منظور جلوگیری از طولانی شدن حجم مقاله از ارائه موارد تکراری و تعاریف تفصیلی مقولات ذکر شده خودداری شد؛ و نمونه‌ای از مصادیق مرتبط جهت آشنایی مخاطبان گرامی ارائه شده است.

**ب- مضمون فرعی:**

هدف این مرحله، برقراری رابطه بین ابعاد (مقولات) تولیدشده در مرحله مضمون پایه است. این کار بر اساس یک الگو و سرمشق جامع و کلی انجام می‌شود و به پژوهشگر کمک می‌کند تا تئوری فرایند اجتماعی مورد مطالعه را راحت‌تر توسعه دهد. اساس فرایند ارتباط دهی در مضمون فرعی بر تمرکز و تعیین یک مقوله به‌عنوان مقوله اصلی قرار داشته و سپس سایر مقولات، به‌عنوان مقولات فرعی، به مقوله اصلی ارتباط داده می‌شوند.



## جدول ۳- نتایج کدگذاری

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تعداد کد	مضمون پایه
عدم هماهنگی بین نهادها	0 تعارض در سیاست‌ها و برنامه‌ها	۹	- طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوت برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان توسط نهادهای مختلف
	0 پراکندگی منابع		- سردرگمی کارآفرینان با طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوت توسط نهادهای مختلف
	0 سختی در دسترسی به اطلاعات		- پراکندگی منابع مالی و انسانی به علت عدم هماهنگی بین نهادهای دولتی
	0 کاهش کارایی و اثر بخشی		- بی توجهی به پروژه‌ها و برنامه‌های مهم
	0 مانع در توسعه شبکه‌های همکار		- جمع آوری و انتشار داده‌های مرتبط با حوزه دانش بنیان به شیوه‌های متناقض
	0 کاهش شفافیت و اعتماد		- عدم اعتماد به اطلاعات منتشر شده در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاران و کارآفرینان
	0 پاسخگویی ناکافی		- تکرار فعالیت‌ها یا برنامه‌های ناکارآمد و غیرموثر به علت عدم هماهنگی بین نهادها
	0 تأثیر بر تقاضای نوآوری		- عدم کارکرد قوی شرکت‌های دانش بنیان به خاطر وجود یک محیط ناهمگون
			- عدم کارکرد قوی شرکت‌های دانش‌بنیان با یکدیگر یا با نهادهای حمایتی به علت وجود محیط ناهمگون
			- عدم رشد و توسعه شبکه‌ها و همکاری‌های مؤثر به علت وجود محیط ناهمگون
	- عدم وجود شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع به علت عملکرد ناهماهنگ بین نهادها		
	- ضعف شدن مکانیسم‌های پاسخگویی و عدم مسئولیت‌پذیری در قبال نتایج سیاست‌ها و برنامه‌های معطوف به اقتصاد دانش بنیان به علت وجود ناهماهنگی بین نهادها		
	- عدم شناسایی درست نیازهای واقعی بازار در پی ناهماهنگی‌های بین نهادها		
	- کاهش تقاضای نوآوری در پی عدم هماهنگی بین نهادها		

<ul style="list-style-type: none"> <li>- فقدان امنیت قانونی به علت ضعف در قوانین و مقررات</li> <li>- عدم ثبات در پیش‌بینی و پذیرش قوانین</li> <li>- عدم وجود امنیت و دلسردی سرمایه‌گذاران از ورود به بازار</li> <li>- عدم درک نیازهای روز به علت وجود قوانین ناکافی یا قدیمی</li> <li>- عدم درک نیازهای متغیر و سریع دنیای فناوری و نوآوری به علت کندی سیستم قدیمی</li> <li>- ایجاد مانع برای آزمایش و ترویج نوآوری‌های جدید با وجود قوانین دست و پا گیر</li> <li>- کاهش انگیزه‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان با قانون گذاری ضعیف</li> <li>- عدم وجود حمایت‌های مالی، نظیر تخفیف‌های مالیاتی یا مشوق‌های دولتی</li> <li>- عدم وضوح و دقت در قوانین</li> <li>- بروز اختلافات حقوقی بین شرکت‌ها و نهادهای دولتی</li> <li>- هدر رفت وقت و منابع شرکت‌ها در پی ضعف زیرساخت‌های قانونی</li> <li>- عدم تمرکز بر روی نوآوری و توسعه محصولات به خاطر وجود قوانین دست و پا گیر</li> <li>- عدم حفاظت کافی از مالکیت معنوی و اختراعات به علت بهم ریختگی در قوانین اجرایی</li> <li>- آسیب پذیری بیشتر شرکت‌های دانش بنیان از قوانین قدیمی به علت وجود ماهیت نوآوری و ایده‌های جدید در این شرکت‌ها</li> <li>- آسیب پذیری بیشتر شرکت‌های دانش بنیان نسبت به رقبا از قوانین قدیمی</li> <li>- تاثیر منفی ضعف زیرساخت‌های قانونی بر اعتماد عمومی به بازار و نهادهای دولتی</li> <li>- تردید کارآفرینان و سرمایه‌گذاران در ایجاد ارتباط با نهادهای دولتی به علت زیرساخت‌های قانونی قدیمی</li> <li>- عدم توانایی در اجرای مؤثر سیاست‌ها به علت ضعف در قوانین</li> <li>- کاهش کارایی و اثربخشی برنامه‌ها و سیاست‌های موجود به علت زیرساخت قدیمی</li> <li>- وجود قوانین ناواضح و ناکارآمد سبب افزایش بوروکراسی و مراحل پیچیده برای دریافت مجوزها و حمایت‌ها</li> <li>- چالش جدی روبرویی با بوروکراسی اداری در شرکت‌های دانش‌بنیان</li> <li>- جلوگیری از رشد شرکت‌های دانش بنیان به علت وجود بوروکراسی اداری</li> </ul>	۹	<ul style="list-style-type: none"> <li>0 عدم امنیت قانونی</li> <li>0 سختی در ترویج نوآوری</li> <li>0 کاهش انگیزه‌های مالی</li> <li>0 بروز اختلافات حقوقی</li> <li>0 مشکلات در حفاظت از مالکیت معنوی</li> <li>0 کاهش اعتماد عمومی</li> <li>0 نقص در اجرای سیاست‌ها</li> <li>0 افزایش بوروکراسی</li> </ul>	ضعف در زیرساخت‌های قانونی
--	---	--	---------------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>- نیاز مالی شرکت‌های دانش‌بنیان معمولاً برای سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&amp;D)</li> <li>- کاهش توانایی شرکت های دانش بنیان در نوآوری و توسعه محصولات جدید در پی کمبود منابع</li> <li>- لزوم مشارکت دولت‌ها به‌عنوان یک سرمایه‌گذار اولیه در پروژه‌های دانش‌بنیان</li> <li>- عدم تخصیص منابع مالی مناسب از سوی دولت‌ها علت اصلی کاهش شرایط جذاب برای سرمایه‌گذاران خصوصی</li> <li>- رویارویی شرکت‌های دانش‌بنیان برای تأمین مالی از منابع خارجی، نظیر بانک‌ها یا سرمایه‌گذاران خطرپذیر</li> <li>- وجود ریسک‌های تأمین مالی خطرناک برای شرکت های نوظهور و جدید</li> <li>- کاهش ظهور و رشد شرکت‌های جدید به علت عدم حمایت مالی مناسب از طرف دولت</li> <li>- محدودیت در استخدام و نگهداشتن افراد متخصص و ماهر در شرکت‌ها به علت کمبود منابع مالی حمایتی</li> <li>- کاهش کیفیت فنی و علمی محصولات جدید در پی منابع مالی ناکافی در این شرکت ها</li> <li>- نیاز به منابع مالی کافی برای رقابت با شرکت‌های معتبر و بزرگ</li> <li>- آسیب‌پذیری روزافزون شرکت های نوبنیاد به علت کمبود بودجه</li> <li>- کاهش کیفیت خدمات و محصولات شرکت‌ها به علت کمبود بودجه</li> <li>- کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه، بازاریابی و منابع انسانی و همچنین کاهش کیفیت نهایی محصولات به علت عدم حمایت مالی دولت</li> <li>- از دست رفتن فرصت‌های ارزشمند در پی عدم منابع مالی پایدار</li> <li>- ناتمام ماندن پروژه‌ها و یا توقف موقتی عملکرد این شرکت ها به علت وجود منابع مالی پراکنده و ناپایدار</li> <li>- عدم ظهور عملکرد واقعی شرکت های دانش بنیان در پی تضمین نبودن تأمین مالی مداوم و پایدار</li> <li>- عدم وجود سیاست های حمایتی از شرکت‌های دانش‌بنیان به دلیل عدم تأمین مالی کافی</li> <li>- ناکامی سیاست های اعلام شده به علت عدم تخصیص بودجه مناسب</li> <li>- متکی بودن به منابع خارجی در صورت کمبود منابع مالی داخلی</li> <li>- شکاف در فناوری و وابستگی اقتصادی شرکت‌های دانش‌بنیان به دنبال تأمین منابع مالی توسط شرکت های خارجی</li> </ul>	۱۰	<ul style="list-style-type: none"> <li>0 محدودیت در رشد و توسعه</li> <li>0 کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری</li> <li>0 مشکلات در تأمین مالی</li> <li>0 عدم دسترسی به منابع انسانی متخصص</li> <li>0 شکاف در مبارزه با رقبا</li> <li>0 کاهش کیفیت خدمات و محصولات</li> <li>0 عدم پایداری در اجرای پروژه‌ها</li> <li>0 کاهش اثربخشی سیاست‌ها</li> <li>0 افزایش وابستگی به منابع خارجی</li> </ul>	منابع مالی ناکافی
---	----	---	-------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش مهارت‌ها و دانش تخصصی در شرکت‌های دانش‌بنیان به واسطه آموزش مناسب نیروی انسانی</li> <li>- بهبود کیفیت محصولات با داشتن نیروی کار ماهر قادر</li> <li>- پاسخ به مسائل پیچیده و چالش‌های فناوری با آموزش به نیروی انسانی</li> <li>- تقویت روحیه نوآوری و پژوهش‌های علمی با آموزش نیروی انسانی به نیروی کار ماهر و آگاه به روندهای جدید با آموزش نیروی انسانی</li> <li>- داشتن ایده‌های نوآورانه و توسعه فناوری‌های جدید به کمک آموزش نیروی انسانی</li> <li>- به‌کارگیری بهترین شیوه‌ها، تکنیک‌ها و افزایش بهره‌وری در شرکت‌ها با آموزش نیروی انسانی</li> <li>- کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری در شرکت‌های دانش‌بنیان با آموزش نیروی انسانی</li> <li>- آموزش و توسعه مهارت‌های مدیریتی و رهبری در نیروی انسانی و کمک به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و استراتژی‌های</li> <li>- بهینه‌سازی عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان با آموزش نیروی انسانی</li> <li>- احساس نیاز بیشتر به مهارت‌های جدید و به‌روز در دنیای پویای امروزی</li> <li>- سازگاری با تغییرات بازار و نیازهای فناوری با آموزش مناسب به نیروی انسانی</li> <li>- افزایش رقابت‌پذیری شرکت‌ها ی دانش بنیان با آموزش مناسب به نیروی انسانی</li> <li>- جذابیت بیشتر برای سرمایه‌گذاران با داشتن نیروی انسانی آموزش دیده</li> <li>- تقویت فرهنگ نوآوری در سازمان و ریسک‌پذیری با آموزش مناسب به نیروی انسانی</li> <li>- توسعه محصولات و خدمات جدید و سودآوری بیشتر در پی آموزش مناسب به نیروی انسانی</li> <li>- کاهش احتمال شکست‌های تجاری و به حداقل رسیدن ریسک در پروژه‌های دانش‌بنیان با وجود تیم‌های مجرب و آموزش‌دیده</li> <li>- کاهش تصمیمات نادرست و جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های پرخطر با آموزش مناسب به نیروی انسانی</li> <li>- تسهیل همکاری‌های بین‌سازمانی و تبادل دانش و فناوری و افزایش توانایی‌های جمعی در حوزه دانش‌بنیان</li> <li>- بهبود فعالیت‌های تحقیق و توسعه تسریع در اجرای طرح‌های نوآورانه</li> <li>- پیشرفت‌ها در تعیین اهداف و خطمشی‌های دولتی با وجود آموزش مناسب به نیروی انسانی شرکت‌های پیشرو</li> </ul>	۱۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>0 افزایش مهارت‌های تخصصی</li> <li>0 توسعه نوآوری</li> <li>0 افزایش بهره‌وری</li> <li>0 توسعه رهبری و مدیریت</li> <li>0 سازگاری با تغییرات بازار</li> <li>0 جذب سرمایه‌گذاری و منابع</li> <li>0 تقویت فرهنگ نوآوری</li> <li>0 کاهش شکست‌های تجاری</li> <li>0 ایجاد همکاری‌های بین‌سازمانی</li> <li>0 پیشرفت تحقیق و توسعه</li> </ul>	آموزش و توسعه نیروی انسانی
--	----	--	----------------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>- اتخاذ تصمیمات سیاسی نادرست بر مبنای اطلاعات نادرست یا ناکافی</li> <li>- انتخاب استراتژی‌های نادرست و تخصیص منابع به پروژه‌هایی که بازدهی مناسب ندارند در پی نقص در ارزیابی</li> <li>- بروز فساد و عدم شفافیت در تخصیص منابع</li> <li>- سوءاستفاده افراد یا گروه‌ها از موقعیت خود به علت نقص در نظارت و ارزیابی</li> <li>- کاهش اعتماد عمومی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان به علت نقص در نظارت و ارزیابی</li> <li>- عدم دستیابی سیاست‌ها به اهداف خود به علت نقص در نظارت و ارزیابی</li> <li>- عدم وجود تصمیمات بهبودپذیر و اصلاحی و مسیر نادرست خط‌مشی‌ها به علت نقص در نظارت و ارزیابی</li> <li>- عدم شناسایی فرصت‌های جدید در حوزه نوآوری و فناوری</li> <li>- کاهش رقابت‌پذیری و ناتوانی در بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری به علت عدم وجود ارزیابی مؤثر</li> <li>- افزایش ریسک در پروژه‌های دانش‌بنیان</li> <li>- عدم آگاهی از وضعیت واقعی پروژه‌ها می‌تواند ناشی از عدم شفافیت و ناکارآمدی در تصمیم‌گیری</li> <li>- عدم دستیابی به استانداردهای بالای نوآوری و کیفیت</li> <li>- باقی ماندن شرکت‌های ناپایدار و ناکارآمد در اکوسیستم دانش‌بنیان به علت نقص در ارزیابی</li> <li>- عدم تمایل به همکاری در شرکت‌های با کیفیت و نوآور</li> <li>- تضعیف اعتماد بین دولت و بخش خصوصی به دنبال عدم نظارت مناسب</li> <li>- دلسردی بخش خصوصی زمانی که احساس کند که نظارت و ارزیابی به درستی انجام نشده</li> <li>- کناره‌گیری بخش خصوصی ناشی از عدم ارزیابی درست</li> <li>- کاهش انگیزه‌های مالی و غیرمالی برای شرکت‌های دانش‌بنیان</li> <li>- کاهش انگیزه برای ادامه کار در پی شناسایی نادرست و تضعیف حس اعتماد</li> <li>- تداوم مشکلات موجود در حوزه دانش‌بنیان و عدم انگیزه برای اصلاح آنها</li> </ul>	۱۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>0 کاهش کیفیت تصمیم‌گیری</li> <li>0 عدم شفافیت</li> <li>0 کاهش اثربخشی سیاست‌ها</li> <li>0 از دست رفتن فرصت‌ها</li> <li>0 افزایش ریسک و ناطمینانی</li> <li>0 هبوط کیفیت انتظارات</li> <li>0 کمبود ارائه‌دهندگان و شرکای قوی</li> <li>0 تضعیف اعتماد و همکاری</li> <li>0 کاهش انگیزه برای نوآوری</li> <li>0 احتمال تداوم مشکلات قبلی</li> </ul>	نقص در ارزیابی و نظارت
---	----	--	------------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم انگیزه در افراد و سازمانها برای سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه</li> <li>- رکود در پیشرفت تکنولوژی و کاهش مزیت رقابتی شرکت های داخلی</li> <li>- در پی غیاب فرهنگ نوآوری قوی</li> <li>- کاهش روحیه کارآفرینی در جامعه هنگامی که افراد احساس کنند نوآوری مورد تشویق و حمایت قرار نمی گیرد</li> <li>- تمایل کمتر به راه اندازی کسب و کارهای نوآورانه و ریسک پذیر در غیاب فرهنگ نوآوری قوی، در جامعه</li> <li>- عدم جذب سرمایه گذاران خصوصی و دولتی با فقدان در فرهنگ نوآورانه</li> <li>- دلسردی سرمایه گذاران نسبت به سرمایه گذاری در پروژه های دانش بنیان و نوآورانه</li> <li>- خطمشی ها و سیاست ها ممکن است به ندرت تغییر</li> <li>- کم توجهی به نیازهای فعلی و آینده بازار و صنایع با وجود فقدان در فرهنگ نوآوری</li> <li>- کاهش رقابت پذیری در سطح ملی و بین المللی</li> <li>- عدم موفقیت شرکت ها در رقابت جهانی</li> <li>- بی توجهی شرکت ها به بهبود و به روز رسانی محصولات و خدمات خود</li> <li>- عدم کیفیت لازم در خروجی های شرکت های دانش بنیان و عدم رضایت مشتری</li> <li>- عدم اشتراک تجربیات و ایده ها در میان افراد و سازمان ها</li> <li>- عدم همکاری بین سازمان های مختلف، مانند مؤسسات تحقیقاتی و کسب و کارها</li> <li>- عدم وجود فضای کار مشترک، عدم وجود مراکز تحقیق و توسعه و عدم وجود امکانات آموزشی</li> <li>- عدم توسعه زیرساخت ها</li> <li>- ادامه روش ها و محصولات سنتی تولید در غیاب طرز فکر نوآورانه</li> <li>- محدود کردن توانایی ایجاد محصولات با ارزش افزوده بالا که برای اقتصاد رقابتی ضروری است</li> <li>- عدم پذیرش شکست به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری و رشد</li> <li>- عدم اتخاذ ریسک های محاسبه شده در پروژه های نوآورانه به علت ترس از شکست</li> <li>- کم توجهی دولتمردان به مسائل مرتبط با نوآوری و نبود سیاست های حمایتی</li> <li>- عدم تأمین مالی، عدم ارائه مشوق های مالی و عدم ارتقاء قوانین حمایتی</li> <li>- تاخیر در احتمال پذیرش فناوری های نوین</li> <li>- عقب ماندگی کشور در رقابت جهانی</li> </ul>	۱۳	<ul style="list-style-type: none"> <li>0 کاهش انگیزه برای تحقیق و توسعه</li> <li>0 تضعیف روحیه کارآفرینی</li> <li>0 عدم جذب سرمایه گذاران</li> <li>0 تغییرات کم در سیاست ها</li> <li>0 کاهش رقابت پذیری</li> <li>0 سقوط کیفیت محصولات و خدمات</li> <li>0 فقدان همکاری های بین سازمانی</li> <li>0 توسعه نیافتگی زیرساخت ها</li> <li>0 تولید کالاهای سنتی</li> <li>0 ممنوعیت از شکست و ریسک</li> <li>0 عدم حمایت دولت</li> <li>0 تاخیر در پذیرش فناوری های جدید</li> </ul>	فقدان فرهنگ نوآوری
---	----	--	--------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>- منسوخ شدن خطمشی‌ها و سیاست‌های دولتی به علت تحولات سریع فناوری‌ها</li> <li>- عدم پاسخگویی موثر و به موقع به تغییرات توسط دولت ممکن است سبب شود که برنامه‌ها و سیاست‌های نامناسب و ناکارآمد شوند</li> <li>- عدم قطعیت در پاسخگویی در محیط‌های کسب‌وکار دولتی در پی تغییرات نرخ سریع تکنولوژیکی</li> <li>- پیچیدگی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و به همراه داشتن ریسک‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری‌ها</li> <li>- مواجه شدن با چالش‌های تنظیم‌گرایی در نهادهای دولتی</li> <li>- بروز مشکلات حقوقی و اخلاقی در پی تحولات سریع فناوری</li> <li>- ایجاد تغییرات عمده در نیازهای نیروی کار با مهارت</li> <li>- عدم کارایی برنامه‌های آموزشی قدیمی</li> <li>- کمبود مهارت و عدم تطابق نیروی کار قدیمی با شرایط جدید</li> <li>- عدم زیرساخت‌های فنی و سازمانی مناسب و عدم توجه به این نیازها</li> <li>- کند شدن روند نوآوری و اثرات منفی بر جذب سرمایه‌ها در حوزه فناوری</li> <li>- عدم تعادل در توسعه فناوری در مناطق مختلف و میان بخش‌های مختلف اقتصادی</li> <li>- افزایش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در اثر تحولات سریع فناوری</li> <li>- قادر نبودن دولت به پیگیری و پاسخگویی به تحولات فناوری و کم شدن اعتماد عمومی</li> <li>- کاهش اعتماد عمومی به برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی در حوزه فناوری و نوآوری</li> <li>- ایجاد تنش‌ها و رقابت‌های بین‌المللی</li> <li>- از دست دادن موقعیت‌های راهبردی و اقتصادی در سطح بین‌المللی</li> <li>- هماهنگی و همکاری بین بخش‌های مختلف دولتی، صنعتی و دانشگاهی</li> <li>- عدم وجود هماهنگی بین نهادها می‌تواند به اتلاف منابع و کاهش بهره‌وری منجر شود.</li> <li>- تاثیر منفی بر تأمین مالی پروژه‌های دانش‌بنیان</li> <li>- انصراف از سرمایه‌گذاری در بخش دانش بنیان به علت عدم اطمینان و عدم وضوح در آینده</li> </ul>	۱۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>0 عدم تطابق با نیازهای روز</li> <li>0 افزایش عدم قطعیت</li> <li>0 چالش‌های تنظیم‌گرایی</li> <li>0 تأثیر بر نیروی کار</li> <li>0 فقدان زیرساخت‌های نوین</li> <li>0 عدم حساسیت به عدم تعادل در فناوری</li> <li>0 کاهش اعتماد عمومی</li> <li>0 چالش‌های بین‌المللی</li> <li>0 فقدان هماهنگی بین بخش‌ها</li> <li>0 چالش در تأمین مالی</li> </ul>	تحولات سریع فناوری
---	----	---	--------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم شناسایی درست نیازها و چالش‌های واقعی صنعت در پی ارتباطات ضعیف بین دولت و صنعت</li> <li>- تدوین ختمشی‌هایی که مطابق با واقعیت‌های صنعتی نیستند</li> <li>- نادیده گرفتن نیازهای اصلی بخش تولید و خدمات در پی ارتباطات ضعیف بین دولت و صنعت</li> <li>- عدم ارتباط مؤثر با صنعت و نبود هماهنگی در پروژه‌های تحقیق و توسعه و به‌ویژه در پروژه‌های دانش‌بنیان</li> <li>- باقی ماندن تحقیقات انجام‌شده به‌جای اینکه به نیازهای واقعی بازار پاسخ دهند، در فضای تئوری وجود ختمشی‌گذاری‌های نادرست ناشی از عدم شناخت صحیح از نیازهای صنعت</li> <li>- هدر رفت منابع مالی و انسانی در پروژه‌هایی که بدون مشاوره با صنعت طراحی می‌شوند</li> <li>- شکست در پروژه‌های نوآورانه شرکت‌های دانش بنیان</li> <li>- کاهش میزان نوآوری در حوزه دانش‌بنیان زمانی که صنعت و دولت ارتباط مؤثری ندارند</li> <li>- عدم استفاده صنعت از ظرفیت‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی</li> <li>- عدم بهره‌برداری مناسب از مسئله با وجود کمبود ایده‌های نوآورانه</li> <li>- ارتباطات ضعیف دولتمردان با یکدیگر و عدم پاسخگویی سریع به تغییرات بازار و نیازهای جدید</li> <li>- از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی و لطمه به رقابت‌پذیری صنایع</li> <li>- عدم ارتباط معنادار با صنعت</li> <li>- عدم ارائه حمایت‌های مؤثر از سوی دولت برای صنایع دانش‌بنیان</li> <li>- عدم تسهیلات مالی، مشوق‌های مالیاتی و حمایت‌های آموزشی برای بخش صنعت</li> <li>- عدم وجود ارتباط میان دانشگاه‌ها و صنعت سبب کندی عکس‌العمل در طراحی برنامه‌های آموزشی و توسعه مهارت‌ها</li> <li>- عدم تجهیز فارغ‌التحصیلان به مهارت‌های مورد نیاز در صنعت</li> <li>- عدم وجود ارتباط مؤثر منجر به کاهش اعتماد صنعت به دولت</li> <li>- عدم اطلاع دقیق دولت از واقعیت‌های جاری در صنعت</li> <li>- عدم پاسخ سریع صنعت به چالش‌های بین‌المللی</li> <li>- عدم هماهنگی صنعت با جنبش‌های جهانی و نادیده گرفتن نیاز به انطباق با این تغییرات</li> <li>- ایجاد مشکلات جدی برای صنایع مختلف به علت گوشه‌گیری و انزوا از پیشرفت جهانی</li> <li>- تمرکز صنایع به‌تنهایی بر روی مسائل تحقیق و توسعه و تحمل بار اضافی</li> <li>- عدم کارایی و ناکارآمدی در فرآیندها سبب تحمل بارهای اضافی بر دوش صنعت</li> </ul>	۱۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>0 عدم شناسایی نیازهای واقعی صنعت</li> <li>0 عدم هماهنگی در توسعه فناوری</li> <li>0 هدر رفت منابع</li> <li>0 کاهش نوآوری</li> <li>0 تأخیر در پاسخگویی به تغییرات بازار</li> <li>0 فقدان حمایت‌های مؤثر</li> <li>0 نقص در آموزش و توسعه مهارت‌ها</li> <li>0 کاهش اعتماد به دولت</li> <li>0 عدم پیش‌بینی چالش‌های بین‌المللی</li> <li>0 بار اضافی بر روی تحقیق و توسعه</li> </ul>	ارتباطات ضعیف با صنعت
--	----	---	-----------------------

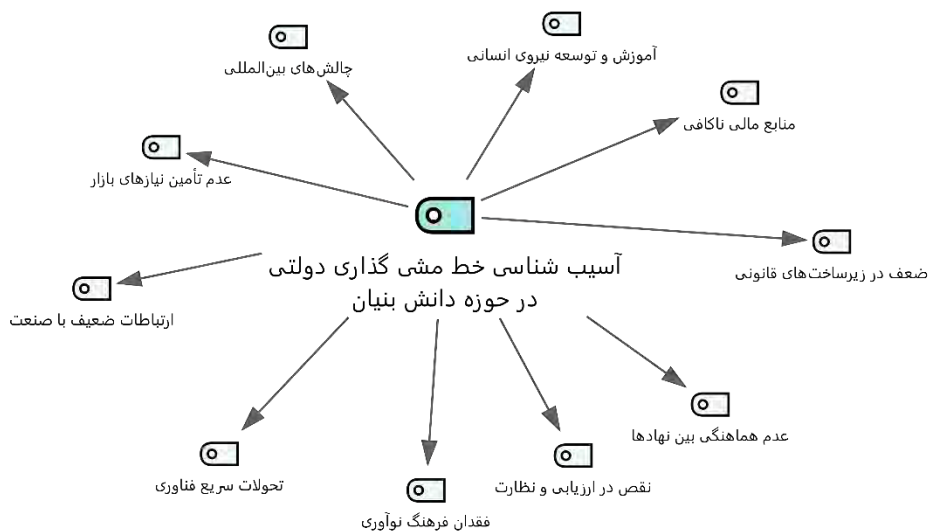


<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم شناسایی درست نیاز های واقعی از غیر واقعی با وجود خطمشی‌های دولتی ناکارآمد و قدیمی در حوزه دانش‌بنیان</li> <li>- عدم تطابق محصولات تولید شده با نیاز بازار و فشار مضاعف بر سیستم‌های اقتصادی و به هدر رفت منابع طبیعی و انسانی</li> <li>- بی اعتمادی صنایع به دولت و سیاست‌های آن زیرا احساس می‌کنند که دولت درک درستی از نیازها و چالش‌های آن‌ها ندارد.</li> <li>- کاهش همکاری میان بخش خصوصی و دولتی سبب آسیب بر تلاش‌های نوآورانه</li> <li>- هدررفت منابع مالی، انسانی و زمانب با وجود برنامه‌های دولتی که بر اساس نیازهای نادرست طراحی شده‌اند</li> <li>- هدر رفت منابع موجود سبب کاهش اعتبار و توانمندی‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای دولت</li> <li>- تأخیر در روند نوآوری و توسعه محصولات و خدمات جدید در پی عدم تأمین نیازهای واقعی بازار</li> <li>- عدم تمرکز دولتها بر نیازهای بازار سبب محروم شدن صنایع دانش‌بنیان از توسعه و گسترش واقعی</li> <li>- کاهش رقابت پذیری صنایع دانش بنیان با وجود عدم انطباق با نیازهای واقعی بازار</li> <li>- عدم توانایی پاسخگویی به نیازهای بازار و کاهش سهم بازار و خطر خروج از بازار</li> <li>- از بین رفتن فرصت‌های اقتصادی منجر به عدم ایجاد شغل و کاهش رشد اقتصادی در حوزه‌هایی با پتانسیل‌های بالا</li> <li>- کاهش انگیزه صنایع برای سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه</li> <li>- کاهش نوآوری و افزایش رکود در حوزه دانش‌بنیان</li> <li>- تضعیف زنجیره‌های تأمین و توزیع</li> <li>- کاهش تنوع و کاهش کیفیت محصولات و خدمات ارائه شده به مصرف‌کنندگان</li> <li>- ایجاد مشکلات جدی در تدوین و اجرای سیاست‌های حمایتی برای صنایع دانش‌بنیان</li> <li>- عدم پشتیبانی سیاست‌ها از بخش‌های نیازمند حمایت و پشتیبانی</li> <li>- عدم رسیدن به توسعه پایدار و جامع</li> <li>- عدم توجه به نیازهای واقعی می‌تواند باعث ایجاد نابرابری‌ها و تنش‌های اجتماعی در اقتصاد شود.</li> </ul>	۱۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>0 عدم تطابق با نیازهای موجود</li> <li>0 کاهش اعتماد به دولت</li> <li>0 هدر رفت منابع و سرمایه‌گذاری</li> <li>0 تأخیر در نوآوری و توسعه</li> <li>0 کاهش رقابت‌پذیری</li> <li>0 از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی</li> <li>0 عدم انگیزه برای تحقیق و توسعه</li> <li>0 تضعیف زنجیره تأمین</li> <li>0 مشکلات در ایجاد سیاست‌های حمایتی</li> <li>0 عدم توسعه پایدار</li> </ul>	عدم تأمین نیازهای بازار
--	----	---	-------------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>- اصلاح دولت‌ها به‌طور مداوم و به روز شدن سیاست‌های آنها برای حمایت از بخش دانش‌بنیان</li> <li>- نیاز به برنامه‌ریزی و تطابق با تغییرات جهانی</li> <li>- همگام شدن دولت‌ها به‌سرعت با تحولات جهانی</li> <li>- تاثیر تغییرات در قوانین و مقررات بین‌المللی بر توانمندی‌های صادراتی و شرایط واردات</li> <li>- سازگاری مداوم دولت با تغییرات بازار جهانی برای جلوگیری از کاهش دسترسی به بازارهای جهانی</li> <li>- سازگاری با جنگ‌های تجاری، تحریم‌ها و بحران‌های اقتصادی جهانی</li> <li>- جلوگیری از محدودیت‌های جدید در تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری</li> <li>- نیاز به همکاری‌های بین‌المللی در حوزه تحقیق و توسعه</li> <li>- اتخاذ سیاست‌های حمایتی از طرف دولت به جهت تسهیل همکاری‌ها و دستیابی به دستاوردهای جدید بین‌المللی</li> <li>- شناخت چالش‌های بین‌المللی به جهت هماهنگی با نیازها و سلیقه‌های مصرف‌کنندگان بین‌المللی</li> <li>- واکنش سریع به تغییرات در بازارهای داخلی و صادراتی</li> <li>- توجه به سلايق مختلف با گسترش تعاملات بین‌المللی، تنوع فرهنگی و اجتماعی در سطح کشورها</li> <li>- پاسخ صحیح صنایع دانش بنیان به چالش‌های جهانی مربوط به تغییرات اقلیمی و مسائل زیست‌محیطی</li> <li>- تدوین سیاست‌های دولتی مناسب به جهت مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار</li> <li>- آشنایی با چالش‌های بین‌المللی مانند مهاجرت، سیاست‌های کاری و محدودیت‌های دانشجویان بین‌المللی</li> <li>- جذب بهترین استعدادهاى جهانی با ایجاد مشوق‌های مالی</li> <li>- کنترل ناپایداری‌ها و چالش‌های بین‌المللی و همچنین کنترل آثار این ناپایداری‌ها بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی</li> <li>- برنامه ریزی استراتژیک توسط دولت‌ها برای جلب سرمایه‌گذاران و توسعه بازارهای دانش‌بنیان</li> <li>- توانمند کردن صنایع با بهبود و گسترش زیرساخت‌های صنایع دانش‌بنیان</li> </ul>	۱۳	<ul style="list-style-type: none"> <li>0 رقابت جهانی</li> <li>0 تغییرات سریع فناوری</li> <li>0 تغییرات قوانین و مقررات بین‌المللی</li> <li>0 چالش‌های تجاری و اقتصادی</li> <li>0 نیاز به تحقیق و توسعه مشترک</li> <li>0 تغییرات در نیازهای مصرف‌کنندگان</li> <li>0 تنوع فرهنگی و اجتماعی</li> <li>0 تأثیرات اقلیمی و زیست‌محیطی</li> <li>0 مشکلات نیروی انسانی</li> <li>0 تأثیرات بر سرمایه‌گذاری</li> <li>0 نیاز به گسترش زیرساخت‌ها</li> </ul>	چالش‌های بین‌المللی
--	----	--	---------------------

### ج- مضمون اصلی:

در این مرحله می‌توان مطابق با شکل (۲) مدل ترسیمی ارائه‌شده برای پاسخ به سؤال پژوهش (الگو آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان چگونه است؟) است.



## شکل ۲- مضمون اصلی برای الگوی آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان

قضایای تئوریک پیشنهادی بر اساس الگوی آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان می‌تواند بصورت دسته بندی زیر، قرار گیرد:

### ۱: مسائل ساختاری و سازمانی

- عدم هماهنگی بین نهادها
- ضعف در زیرساخت‌های قانونی
- نقص در ارزیابی و نظارت
- ارتباطات ضعیف با صنعت

### ۲: منابع و زیرساخت‌ها

- منابع مالی ناکافی
- آموزش و توسعه نیروی انسانی

### ۳. فرهنگ و رفتار

- فقدان فرهنگ نوآوری
- عدم تأمین نیازهای بازار

### ۴. تغییرات و چالش‌ها

- تحولات سریع فناوری
- چالش‌های بین‌المللی

این دسته‌بندی کمک می‌کند که هر بخش از آسیب‌ها و چالش‌ها مورد بررسی و تحلیل دقیق‌تری قرار گیرد، الگوی نهایی به قرار زیر بدست آید (شکل ۳).



شکل ۳- الگوی آسیب شناسی خط‌مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از پژوهش حاضر طراحی الگویی مناسب برای آسیب شناسی خط‌مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان بود. یافته‌های بدست آمده نشان داد هماهنگی ضعیف بین نهادها می‌تواند به چندین دلیل، موجب آسیب‌شناسی خط‌مشی‌گذاری دولتی در حوزه دانش‌بنیان شود، وقتی نهاد‌های مختلف در یک حوزه فعالیت می‌کنند، عدم هماهنگی می‌تواند به تداخل وظایف و مسئولیت‌ها منجر شود. این امر باعث می‌شود که برنامه‌ها و سیاست‌ها به طور مؤثر اجرا نشوند و منابع به جای اینکه به طور بهینه استفاده شوند، هدر بروند. نهادها ممکن است سیاست‌ها و برنامه‌های متناقضی را اجرا کنند که به جای تقویت یکدیگر، یکدیگر را تضعیف کنند. این مسئله موجب سردرگمی در بخش‌های اقتصادی و صنعتی می‌شود و فعالان این حوزه نمی‌دانند که کدام سیاست را دنبال کنند. هماهنگی ضعیف می‌تواند به کاهش اعتماد بین نهاد‌های دولتی، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی منجر شود. اگر نهادها نتوانند به یکدیگر اعتماد کنند و به خوبی با هم کار کنند، این مسئله می‌تواند

به عدم مشارکت فعال صنعتگران و محققان در طرح‌های دولتی منجر شود. با وجود نهادهای متعدد و عدم هماهنگی بین آن‌ها، ممکن است منابع مالی و انسانی به طور غیرمؤثر مصرف شوند. هم‌افزایی ضعیف بین نهادها می‌تواند به هدررفت منابع ارزشمند منجر شود که می‌توانستند در پروژه‌های نوآورانه و دانش‌بنیان به کار گرفته شوند. در دنیای سریع‌السیر فناوری، نهادها باید به سرعت واکنش نشان دهند. هماهنگی ضعیف بین نهادها می‌تواند باعث شود نتوانند به تحولات فناوری و نیازهای بازار به درستی پاسخ دهند و این امر موجب از دست رفتن فرصت‌های مهم می‌شود. وجود چند نهاد با وظایف مشابه و یا متداخل، سیاست‌گذاری را پیچیده‌تر می‌کند و فرایند تصمیم‌گیری را کندتر می‌سازد. این موضوع می‌تواند به کاهش سرعت تطبیق با نیازها و وضعیت‌های جدید منجر شود.

به طور کلی، عدم هماهنگی بین نهادها می‌تواند تأثیرات منفی قابل توجهی بر روی کارایی و اثربخشی خط‌مشی‌گذاری دولتی در حوزه دانش‌بنیان داشته باشد و مانع از پیشرفت و توسعه در این زمینه شود. از سویی ضعف در زیرساخت‌های قانونی می‌تواند موجب آسیب‌شناسی در خط‌مشی‌گذاری دولتی در حوزه دانش‌بنیان شود، زیرا برخی از قوانین ممکن است مبهم یا غیرشفاف باشند که باعث سردرگمی در فرآیندهای سرمایه‌گذاری، تحقیق و توسعه می‌شود. نهادهای مختلف نمی‌دانند که چه قوانینی اعمال می‌شود و این امر می‌تواند مانع از جذب سرمایه‌گذاران و پیشرفت‌های نوآورانه شود. وجود محدودیت‌ها و قوانین غیر انعطاف‌پذیر می‌تواند مانع از نوآوری و آزمایش‌های جدید شود. در نتیجه، استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های فناوری نمی‌توانند به راحتی ایده‌های جدید خود را به مرحله اجرا برسانند. ضعف در قوانین حمایت از مالکیت معنوی می‌تواند موجب عدم اعتماد محققان و سرمایه‌گذاران شود. اگر افراد نتوانند مطمئن باشند که ایده‌ها و اختراعاتشان به طور مؤثر محافظت می‌شود، ممکن است تمایل به سرمایه‌گذاری در نوآوری کاهش یابد. حتی اگر قوانینی مناسب وجود داشته باشد، نقص در فرآیندهای اجرایی و نظارتی می‌تواند باعث شود این قوانین به درستی اجرا نشوند. این موضوع به کاهش اعتبار و کارایی خط‌مشی‌ها می‌انجامد.

نتایج بدست آمده در این بخش از پژوهش حاضر با پژوهش واگنر و همکاران (۲۰۲۳) و نوروززاده (۱۴۰۲) همراستا می‌باشد.

به دلیل تغییرات سریع در حوزه فناوری، قوانین ممکن است به‌روز نشوند و نتوانند به نیازهای جدید پاسخ دهند. این امر می‌تواند باعث شود که قوانین قدیمی همچنان معتبر بمانند و مانع از نوآوری و دموکراسی بازار شوند. وجود قوانین متعدد و متناقض که توسط نهادهای مختلف وضع می‌شوند، می‌تواند به سردرگمی و درگیری بین نهادها به‌ویژه در مسیر تحولات دانش‌بنیان منجر شود. این موضوع همچنین می‌تواند مانع از همکاری‌های بین نهادهای دولتی، صنایع و دانشگاه‌ها شود. سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی معمولاً به دنبال محیط‌های قانونی منظم و پیش‌بینی‌پذیر هستند.

نتایج بدست آمده در این بخش از پژوهش حاضر با پژوهش نوروززاده (۱۴۰۲) همراستا می‌باشد. آموزش و توسعه نیروی انسانی یکی از ارکان اساسی در پیشبرد و موفقیت خط‌مشی‌های دولتی در حوزه دانش‌بنیان است. اگر نیروی انسانی به میزان کافی آموزش ندیده باشد و از مهارت‌های لازم برخوردار نباشد،

کیفیت پژوهش‌ها و پروژه‌های نوآورانه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این امر نه تنها بر روی خروجی‌های علمی تأثیر منفی می‌گذارد بلکه می‌تواند منجر به نتایج ناموزون و ناکارآمد در بازارهای رقابتی شود. جهان علم و فناوری به سرعت در حال تغییر است. نیروی انسانی نیاز به آموزش مستمر دارد تا بتواند به این تغییرات پاسخ دهد. در غیر این صورت، کشور ممکن است از قافله پیشرفت و نوآوری عقب بماند و نتواند به تحولات سریع بازار و نیازهای آن واکنش نشان دهد. اگر نیروی انسانی در یک کشور به اندازه کافی آموزش دیده و ماهر نباشد، این موضوع ممکن است به عدم جذابیت برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی منجر شود. سرمایه‌گذاران معمولاً به دنبال محیط‌های کاری با نیروی انسانی متخصص و کارآمد هستند. عدم توسعه نیروی انسانی منجر به کاهش فرصت‌های شغلی در حوزه‌های دانش‌بنیان می‌شود. این موضوع می‌تواند به بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان و افراد با مهارت بالا منجر شود، که منبعی از استعدادها برای صنایع پیشرفته و نوآورانه را از دست می‌دهد.

نتایج بدست آمده در این بخش از پژوهش حاضر با پژوهش لایهون و همکاران (۲۰۲۴) و تئوچاریس و سپهرینتزیس (۲۰۲۳) همراستا می‌باشد.

نقص در ارزیابی و نظارت یکی از عوامل کلیدی است که می‌تواند به آسیب‌شناسی خطمشی‌گذاری دولتی در حوزه دانش‌بنیان منجر شود. اگر ارزیابی و نظارت به درستی انجام نشود، شفافیت در استفاده از منابع مالی و اجرایی کاهش می‌یابد. این موضوع می‌تواند به فساد، سوءاستفاده و عدم مسئولیت‌پذیری در اجرای پروژه‌ها منجر شود. در نتیجه، اعتماد عمومی به سیستم‌های دولتی کاهش پیدا می‌کند. بدون ارزیابی و نظارت کارآمد، نواقص و مشکلات موجود در پروژه‌های دانش‌بنیان به موقع شناسایی نمی‌شوند. این امر می‌تواند به پیگیری‌های ناکافی و عدم اصلاح دقیق خطاها و مشکلات منجر شود، که خود به شکست پروژه‌ها منتهی می‌گردد. عدم وجود نظارت مؤثر می‌تواند به کاهش کارایی و اثربخشی خطمشی‌ها و برنامه‌ها منجر شود. پروژه‌های دانش‌بنیان ممکن است نتایج مطلوب را تولید نکنند، که باعث اتلاف منابع و زمان خواهد شد. نقص در سیستم‌های ارزیابی و نظارت می‌تواند به عدم دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌روز منجر شود. این موضوع می‌تواند موجب ناتوانی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و بهینه‌سازی خطمشی‌ها گردد. بدون ارزیابی صحیح، ذینفعان (از جمله محققان، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان) ممکن است انگیزه خود را از دست بدهند. وقتی افراد ببینند که تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایشان نظارت نمی‌شود یا بازخورد مثبت دریافت نمی‌کنند، تمایل آنها برای مشارکت در پروژه‌های جدید ممکن است کاهش یابد.

نتایج بدست آمده در این بخش از پژوهش حاضر با پژوهش نوروززاده (۱۴۰۲) همراستا می‌باشد. کمبود فرهنگ نوآوری می‌تواند تأثیرات منفی اساسی بر خطمشی‌گذاری دولتی در حوزه دانش‌بنیان داشته باشد. این تأثیرات می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد و موفقیت فرهنگ نوآوری در جامعه تأثیر بگذارند. بدون فرهنگ نوآوری، کشورها به سختی می‌توانند به چالش‌های جدید و تغییرات سریع بازار پاسخ دهند. عدم انعطاف‌پذیری در مواجهه با چالش‌ها می‌تواند به آسیب‌پذیری در برابر رقابت‌های بین‌المللی و اقتصادی بینجامد. فقدان فرهنگ نوآوری ممکن است به عدم پذیرش ایده‌های جدید و تازه منجر شود. در چنین شرایطی، نهادهای دولتی و صنایع ممکن است از ریسک‌پذیری و اکتشافات نوین پرهیز کنند که این امر

باعث محدودیت در پیشرفت‌های علمی و فناوری می‌شود. فرهنگ نوآوری ضعیف می‌تواند به کاهش جذابیت بازار برای سرمایه‌گذاران منجر شود. اگر سرمایه‌گذاران احساس کنند که نوآوری در یک جامعه به درستی حمایت نمی‌شود، امکان دارد از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های فناورانه و دانش‌بنیان خودداری کنند. عدم وجود یک روحیه نوآوری در سازمان‌ها و نهادها می‌تواند به کاهش بهره‌وری و کارایی منجر شود. کارمندان احساس می‌کنند که کارهای روتین و بدون چالش بیشتری دارند و این موجب کاهش انگیزه و اشتیاق به کار می‌شود. نتایج بدست آمده در این بخش از پژوهش حاضر با پژوهش هندرسون (۲۰۲۱) و موسوی و همکاران (۱۴۰۱)، همراستا می‌باشد.

سرعت تحولات فناوری می‌تواند باعث شود که خط‌مشی‌های ایجاد شده به سرعت منسوخ شوند و نتوانند با نیازهای جدید جامعه و بازار هماهنگی داشته باشند. تحولات سریع فناوری منجر به تغییرات مداوم در نیازها و انتظارات بازار می‌گردد. اگر دولت‌ها به‌طور مرتب نیازهای بازار را بررسی نکنند، ممکن است به خط‌مشی‌هایی دست یابند که دیگر کاربردی و مؤثر نیستند. با ظهور فناوری‌های جدید، قوانین و مقررات جاری ممکن است نتوانند به‌خوبی با شرایط جدید هماهنگ شوند. این موضوع می‌تواند به عدم اطمینان در سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های تحقیق و توسعه منجر شود و به آسیب‌پذیری اکوسیستم فناوری آسیب بزند. تحولات سریع فناوری ممکن است به مسائل اخلاقی و اجتماعی ایجاد کند که دولت‌ها باید به آن‌ها پاسخ دهند. عدم توانایی در مدیریت این چالش‌ها می‌تواند به نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد به نهادهای دولتی منجر شود. نوآوری‌های سریع می‌توانند به تغییرات در اشتغال و مهارت‌های لازم منجر شوند. اگر دولت‌ها به این تغییرات توجه نکنند، ممکن است گروه‌های اجتماعی خاصی آسیب ببینند و به مشکلات اقتصادی و اجتماعی دامن بزنند. تحولات سریع فناوری می‌تواند به رقابت‌های جهانی منجر شود. اگر دولت‌ها نتوانند به‌موقع و به‌درستی به این تحولات واکنش نشان دهند، ممکن است در عرصه بین‌المللی عقب بمانند و ظرفیت‌های علمی و فناوری خود را از دست بدهند. اگر خط‌مشی‌های دولتی نتوانند به‌سرعت به تحولات فناوری پاسخ دهند، ممکن است شرکت‌ها و نوآوران داخلی انگیزه و تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ابتکاری از دست بدهند و به دنبال فرصت‌های جدید در خارج از کشور باشند.

نتایج بدست آمده در این بخش از پژوهش حاضر با پژوهش تتوچاریس و سپهریتنزیس (۲۰۲۳) همراستا می‌باشد.

اگر دولت و نهادهای تحقیق و توسعه ارتباط مؤثری با صنایع نداشته باشند، ممکن است به درک مناسب از نیازها و چالش‌های واقعی صنعت نرسند. این امر منجر به طراحی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی می‌شود که با نیازهای اساسی بازار و صنعت همخوانی ندارد. عدم ارتباط مؤثر می‌تواند به تخصیص نادرست منابع منجر شود. دولت ممکن است سرمایه‌گذاری‌هایی انجام دهد که در واقعیت برای صنعت و فعالیت‌های تحقیقاتی مفید نیستند و این می‌تواند به اتلاف منابع عمومی منجر شود. اگر ارتباطات بین دولت و صنعت وجود نداشته باشد، سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی ممکن است برای صنعت و نهادهای اقتصادی نامشخص و مبهم باقی بمانند. این مسئله می‌تواند به بروز عدم اطمینان و سردرگمی در تلاش‌های کسب‌وکارها برای انطباق با مقررات جدید

منجر شود. ارتباطات ضعیف می‌تواند بر توانایی شرکت‌ها برای ارائه ایده‌های نوآورانه تأثیر منفی بگذارد. وقتی شرکت‌ها از سیاست‌ها و مشوق‌های دولتی مطلع نباشند، ممکن است از فرصت‌های نوآوری و همکاری‌های مشترک غافل شوند. بدون ارتباط مؤثر، ممکن است صنایع در پروژه‌های تحقیق و توسعه دولتی مشارکت نکنند. این مسئله می‌تواند به کاهش حجم تحقیقات کاربردی و فناوری‌های جدید در کشور منجر شود و ساختارهای صنعتی و اقتصادی را تضعیف کند. ارتباطات ضعیف باعث می‌شود که دولت نتواند نیازها و انتظارات مختلف بازیگران صنعت را به‌طور کامل درک کند. این عدم تطابق می‌تواند به بروز نارضایتی و کمبودهای اجتماعی و اقتصادی در میان صنایع منجر شود. ارتباطات ضعیف می‌تواند مانع از ایجاد شبکه‌های همکاری بین نهادهای دولتی، دانشگاه‌ها و صنایع شود.

نتایج بدست آمده در این بخش از پژوهش حاضر با پژوهش واگنر و همکاران (۲۰۲۳) همراستا می‌باشد. اگر خطمشی‌های دولتی نتوانند به نیازهای واقعی بازار پاسخ دهند، این امر می‌تواند به کاهش رقابت‌پذیری صنایع داخلی منجر شود. شرکت‌ها ممکن است نتوانند محصولات و خدماتی را ارائه دهند که با نیاز مشتریان هماهنگ باشد. عدم تأمین نیازهای بازار می‌تواند باعث عدم اطمینان در شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران شود و آن‌ها را از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تحقیق و توسعه دلسرد کند. این وضعیت می‌تواند به رکود در حوزه نوآوری و تحقیق و توسعه منجر شود. اگر دولت نتواند نیازهای بازار را شناسایی کند، ممکن است نتواند به موقع و به‌طور مؤثر به نیازهای مشتریان و تقاضاهای بازار پاسخ دهد. این عدم پاسخگویی می‌تواند به کاهش رضایت مشتریان و در نتیجه کاهش فروش و درآمد منجر شود. سازمان‌ها و شرکت‌ها وقتی نیاز واقعی بازار را شناسایی می‌کنند، بیشتر تمایل به نوآوری و تولید محصولات جدید دارند. در غیاب این نیازها، انگیزه نوآوری کاهش می‌یابد و مواردی مانند فکر کردن به راه‌حل‌های جدید کمتر دیده می‌شود. عدم تأمین نیازهای بازار می‌تواند به بروز تنش‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شود. نارضایتی مردم از عدم دسترسی به محصولات و خدمات ضروری می‌تواند به بی‌اعتمادی به دولت و نهادهای دولتی منجر شود. اگر دولت به نیازهای بازار توجه نکند، این امر می‌تواند زنجیره تأمین را مختل کند. تولیدکنندگان ممکن است نتوانند مواد اولیه و منابع لازم را به‌موقع تأمین کنند که این امر به ایجاد کمبودها و افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود. با کاهش اشتغال و عدم پاسخگویی به نیازهای بازار، ممکن است شرکت‌ها به دلایل مالی و اقتصادی مجبور به کاهش نیروی انسانی خود شوند که این می‌تواند به افزایش نرخ بیکاری منجر گردد. نتایج بدست آمده در این بخش از پژوهش حاضر با پژوهش نوروززاده (۱۴۰۲) همراستا می‌باشد.

وجود رقابت شدید در سطح جهانی می‌تواند وضعیت شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی را تحت فشار قرار دهد. دولت‌ها باید سیاست‌هایی را طراحی کنند که نه تنها به نیازهای داخلی پاسخ دهند، بلکه به تلاش‌های جهانی نیز توجه داشته باشند. عدم توانایی در این زمینه می‌تواند منجر به عقب‌ماندگی صنایع و کاهش قدرت رقابتی شود. چالش‌های بین‌المللی می‌تواند شامل تغییرات در توافق‌نامه‌ها، قوانین و مقررات بین‌المللی باشد. دولت‌ها باید قوانین و خطمشی‌های خود را با توجه به این تغییرات تطابق دهند. اگر این تطبیق به‌موقع انجام نشود، ممکن است صنایع داخلی نتوانند به‌درستی فعالیت کنند و از فرصت‌های بین‌المللی بهره‌برداری کنند. نوسانات



اقتصادی جهانی، مانند بحران‌های مالی یا تغییرات در قیمت انرژی، می‌تواند تأثیرات مستقیم و قابل توجهی بر ظرفیت‌های مالی دولت‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان داشته باشد. این تأثیرات ممکن است منجر به کاهش سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و نوآوری شود. چالش‌هایی مانند تحریم‌ها یا محدودیت‌های تجاری می‌توانند دسترسی به بازارهای جهانی را محدود کنند و به شکل‌گیری موانع برای صادرات محصولات دانش‌بنیان کمک کنند. این محدودیت‌ها می‌توانند به کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری در نوآوری و تحقیق و توسعه منجر شوند. نیازهای بازار به واسطه چالش‌های بین‌المللی ممکن است به‌طور ناگهانی تغییر کنند. به همین دلیل، دولت‌ها باید به سرعت به این تغییرات واکنش نشان دهند و خط‌مشی‌های خود را به‌روز کنند. در غیر این صورت، ممکن است منابع خود را در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که دیگر مرتبط یا ضروری نیستند. نتایج بدست آمده در این بخش از پژوهش حاضر با پژوهش واگنر و همکاران (۲۰۲۳) و هندرسون (۲۰۲۱)، همراستا می‌باشد.

رقابت برای جذب نیروهای متخصص و باکیفیت در سطح جهانی می‌تواند به چالش جدی‌ای برای کشورها تبدیل شود. اگر دولت‌ها نتوانند شرایط مناسبی برای حفظ استعدادها و نیروی انسانی متخصص ایجاد کنند، ممکن است با پدیده فرار مغزها مواجه شوند. چالش‌ها و تنش‌های بین‌المللی ممکن است زمینه را برای عدم همکاری‌های بین‌المللی مهیا کند. این عدم همکاری می‌تواند به کاهش تبادل فناوری و دانش‌های جدید منجر شود و به‌تبع آن، فرآیند نوآوری را در کشورها کند کند. چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و مشکلات اجتماعی می‌توانند بر اولویت‌های تحقیقاتی و نوآوری تأثیر بگذارند. دولت‌ها باید راهکارهای نوآورانه‌ای برای مقابله با این چالش‌ها پیدا کنند و در غیر این صورت، مؤسسات و صنایع ممکن است شناخت و توجهی به این موضوعات نداشته باشند. در سطح بین‌المللی، ممکن است تضاد دیدگاه‌ها، منافع و سیاست‌ها وجود داشته باشد که بر تصمیم‌گیری‌های دولتی تأثیر بگذارد. عدم توانایی در مدیریت این تضادها می‌تواند به فرآیند تصمیم‌گیری آسیب برساند و انسجام خط‌مشی‌ها را تهدید کند. چالش‌های بین‌المللی می‌توانند منجر به ایجاد عدم اطمینان و ناخشنودی از سیاست‌های دولتی شوند. در شرایطی که مردم احساس کنند دولت نتوانسته است به خوبی از منافع ملی و اقتصادی محافظت کند، ممکن است به دنبال سلب اعتماد عمومی نسبت به خط‌مشی‌های دولتی باشند. در نهایت، چالش‌های بین‌المللی می‌توانند به‌طور عمده‌ای بر استراتژی‌ها و سیاست‌های دولتی در حوزه دانش‌بنیان تأثیر بگذارند. بنابراین، دولت‌ها باید سازوکارهای انعطاف‌پذیری را برای رویارویی با این چالش‌ها ایجاد کنند و به‌طور مستمر با دنیای خارج هماهنگ و در تعامل باشند.

## پیشنهادات کاربردی

- برگزاری جلسات مشاوره با ذینفعان مختلف (دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاران) برای شناسایی چالش‌ها و نیازهای واقعی.
- استفاده از روش‌های تحقیقاتی مانند نظرسنجی
- تعیین اهداف مشخص و قابل اندازه‌گیری برای هر خط‌مشی.

- ایجاد شبکه‌های همکاری میان دانشگاه‌ها، صنایع و دولت برای تبادل تجربیات و منابع.
- تشویق به برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای مشترک.
- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات که به تسهیل فعالیت‌های دانش‌بنیان کمک کند.
- فراهم کردن فضاهای کار اشتراکی و مراکز نوآوری.
- ایجاد صندوق‌های حمایتی و تسهیلات مالی برای شرکت‌های دانش‌بنیان.
- تشویق به سرمایه‌گذاری خصوصی در حوزه‌های نوآورانه.
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای ارتقاء مهارت‌های کارآفرینی و نوآوری در میان نیروی کار.
- تشویق به تبادل تجربیات بین متخصصان داخلی و خارجی.
- ایجاد سیستم‌های نظارتی برای ارزیابی عملکرد خطمشی‌ها و برنامه‌ها.
- استفاده از بازخوردها برای بهبود مستمر خطمشی‌ها.
- ترویج فرهنگ کارآفرینی و نوآوری در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان.
- برگزاری مسابقات و جشنواره‌های نوآوری برای شناسایی ایده‌های جدید.
- تشویق شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه با ارائه مشوق‌های مالی.
- ایجاد برنامه‌هایی برای تسهیل همکاری بین صنعت و دانشگاه در پروژه‌های تحقیقاتی.

## منابع

۱. ابراهیمیان، مرضیه، رجبی فرجاد، حاجیه و کردلوئی، حمید رضا. (۱۴۰۰). طراحی مدل اجرای خطمشی دانشگاه کارآفرین مبتنی بر سیاست‌های علم و فناوری. خطمشی‌گذاری عمومی در مدیریت. ۱۳ (۴۷): ۱۶۷-۱۸۳.
۲. الیاسی، م، صفردوست، ع، محمدروضه‌سر، م. (۱۳۹۷). بررسی نقش استراتژی نوآوری بر عملکرد نوآورانه سازمان‌ها (مورد مطالعه: شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه زیست‌فناوری). اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۲(۱)، ۲۰۲-۱۸۳.
۳. انگزی قدس، احدالله، گیوریان، حسن، دانشفرد، کرم اله. (۱۴۰۱). طراحی الگوی خطمشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان. فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران، ۱۷(۶۸)، ۱۰۳-۱۲۳.
۴. بنار، احد، رضائیان، علی، معماریانی، عزیزالله و معینی، علی. (۱۴۰۰). طراحی الگوی سیاست گذاری مبتنی بر هوش تجاری در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با دو رویکرد کلان و تفصیلی. فصلنامه علمی مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی. ۱۱ (۴۲): ۷-۴۲.
۵. ثنائی پور، هادی و جعفری مقدم، سعید. (۱۳۹۹). تحلیل محتوای سیاست‌های توسعه کارآفرینی در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۸(۳): ۵۳۷-۵۵۸.
۶. ثنائی پور، هادی. (۱۳۹۹). فرا تحلیل مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران: تجربیات گذشته و چشم‌اندازهای آینده. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۰(۳۹): ۴۲۰-۳۸۹.
۷. جواد، محمدمرتضی، الوانی، سید مهدی، رضایی میرفانده، محسن، موسی خانی، مرتضی و عظیمی، پرهام. (۱۳۹۹). شناسایی سیاست گذاری جامعه شناختی توسعه کارآفرینی دولتی در ایران. علوم اجتماعی، ۱۴(۴): ۱-۲۶.
۸. خیاطیان، محمدصادق و همکاران. (۱۳۹۳). تحلیلی بر عوامل مؤثر بر رشد و پایداری شرکت‌های دانش بنیان در ایران. فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، سال سوم، شماره ششم، صص ۷۴-۵۷.
۹. دهقانی، ح، پاشایی، ا. (۱۳۹۶). ارائه مدل ساختاری تفسیری دستیابی به مدیریت کیفیت زنجیره تامین در شرکت‌های دفاعی دانش بنیان، مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، ۷(۲۷)، ۳۶-۷.
۱۰. رمضانپور، دانیال، عبدالحمید، مهدی، رضائیان، علی. (۱۳۹۸). ارائه الگوی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در فرایند تدوین خطمشی‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی.
۱۱. سبزی، مهناز، رنگریز، حسن، خیراندیش، مهدی. (۱۴۰۲). مدل سیستمی توسعه منابع انسانی در شرکت‌های دانش‌بنیان با رویکرد کیفی. مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی، ۶(۱)، ۱۷۵-۲۰۴.
۱۲. شریف زاده، فتاح و معدنی، جواد. (۱۳۹۴). نقش واسط فناوری اطلاعات در محتوای خط مشی گذاری عمومی. فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال چهارم/ شماره نهم و دهم، ۷۷-۹۲.

۱۳. فتحی، م.، کریمی، ت.، لطفاله‌زادگان، م.، خانکی، س. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر زنجیره تأمین دوستوان به عنوان قابلیت پویا بر کاهش اختلالات و بهبود عملکرد صنعت قطعه‌سازی. علمی اندیشه‌آمد، ۱۹(۷۳)، ۸۱-۱۰۲.
۱۴. فخاری، ح. (۱۳۹۳). بازخوانی تعریف شرکت های دانش بنیان بر اساس شرایط اقتصادی کشور. سیاست علم و فناوری، ۶(۴)، ۸۸-۶۹.
۱۵. کریمی طرارانی، محبوب، شریف زاده، فتاح، میرعلی، سیدنقوی و حسین پور، داود. (۱۳۹۹). تأثیر عوامل مؤثر بر خط مشی گذاری پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش بنیان بر بروندهای آن‌ها با نقش میانجی کارآفرینی فناورانه. مطالعات مدیریت دولتی ایران، ۳(۴): ۹۹-۱۲۶.
۱۶. مروتی شریف‌آبادی، ع.، عندلیب اردکانی، د.، میرنژاد، ع.، جوهری نعیمی، ف. (۱۳۹۸). طراحی مدل ارتقای دوستوانی زنجیره تأمین با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (مورد مطالعه: صنعت فولاد استان یزد). مدیریت بهره‌وری، ۱۳(۱۱۴)، ۷-۳۵.
۱۷. موسوی، نجم‌الدین، فاضل پور، فاطمه، قاسم پور، حامد و میر، سعید. (۱۴۰۱). تأثیر حاکمیت فرهنگ مشارکتی بر ارتقای بهره‌وری کارگزاران دانشی با تأکید بر نقش میانجی قابلیت های نوآوری و جو نوآورانه در شرکت های دانش بنیان. فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی. ۵(۱۵): ۸۴-۵۹.
۱۸. نعمتی، محمدعلی. (۱۳۹۵). بهینه‌کاوی تجارب موفق جهانی دانشگاه پژوهی و تبیین جایگاه این واحد در دانشگاه ها (مطالعه موردی دانشگاه علامه طباطبایی). فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، ۵(۹)، ۱-۱۶.
۱۹. نقی زاده، ر. (۱۳۹۶). حکمرانی و سیاستگذاری یکپارچه در زنجیره تأمین مالی دانش بنیان، اولین کنفرانس حکمرانی و سیاستگذاری عمومی، تهران، ۸(۱۴)، ۱۴-۲۲.
۲۰. نوروززاده، ا. (۱۴۰۲). نقشه راه خطمشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین بر اساس منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)؛ رهیافتی آمیخته. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۶(۱۱)، ۱۸-۲۸.
۲۱. قیصری، ن. (۱۳۹۸). مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی. نشریه علمی مطالعات راهبردی ناچا، ۴(۱۱)، ۵۹-۳۱.

### References:

1. Birkinshaw, J., & Gupta, K. (2013). Clarifying the distinctive contribution of ambidexterity to the field of organization studies. *Academy of Management Perspectives*, 27(4), 287-298.
2. Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2017). Mixed methods research. In *Research methods in education* 24(6).31-50
3. Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into practice*, 39(3), 124-130.
4. Goldsmith, H. R. (2003). Model of Commercialization, Arkansas Small Business and Technology Development Center, available from: <http://asbdc.ualr.edu/technology/Commercialization/themodel.asp>.28(11). 16-26.
5. Henderson, J. D. (2021). Entrepreneurial posture in communications: entrepreneurial orientation (EO) analysis in financial communications with

computer-assisted text analysis combined with EO custom dictionaries, natural language processing, and machine learning (Doctoral dissertation, University of British Columbia).14(2).114-127.

6. He Tao, Huang Changqin, Li Ming, Zhou Yuqiong, Li Shihua.(2020). Social participation of the elderly in China: The roles of conventional media, digital access and social media engagement, *Telematics and Informatics*, Volume 48(12).30-53.

7. Hove, M., & Zinyama, T. (2012). The Challenges of Zimbabwe Science and Technology Policy Formulation from 1980 to 2002. *International Journal of Humanities and Social Science* ,Vol. 2 (2). 284-291.

8. Laihonen, H., Kork, A. A., & Sinervo, L. M. (2024). Advancing public sector knowledge management: towards an understanding of knowledge formation in public administration. *Knowledge Management Research & Practice*, 22(3), 223-233.

9. Meier .Kenneth. J., & Bothe John (2008). *Politics and the Bureaucracy*, 5th ed. Belmont, CA: Thomson/Wadsworth, 12(2).1-14.

10.Padilla-Pérez, Y. Gaudin.(2013). Science, technology and innovation policies in small and developing economies: The case of Central America. *Research Policy*.11(10).115-130.

11.Robertson, J., Pitt, L., & Ferreira, C. (2020). Entrepreneurial ecosystems and the public sector: A bibliographic analysis. *Socio-Economic Planning Sciences*, 72(4).111-124.

12.Theocharis, S., & Tsihrintzis, G. A. (2023). Representation and Knowledge Management for the Benefit of e-Government—Opportunities Through the Tools of the Semantic Web. In *Semantic Knowledge Modelling via Open Linked Ontologies: Ontologies in E-Governance*.115(18).125-206.

13.Wagner, N., Velander, S., Biber-Freudenberger, L., & Dietz, T. (2023). Effectiveness factors and impacts on policymaking of science-policy interfaces in the environmental sustainability context. *Environmental Science & Policy*, 140(6), 56-67.

پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی